



# گفت‌وگوی جهانی

آینده جامعه‌شناسی چینی

لیپینگ سون

جامعه‌شناسی و ستاره‌سازی

روبرت ون کریکن  
ودات میلور

خشونت و اعتراض در  
آمریکای لاتین

جان پارا  
نادیا رودریگز  
میلتون ویدال

< نشست کمیته اجرایی در بیروت

< لابراتوار دکتری در ژوهانسبورگ

< سفرهایی به جامعه‌شناسی

< جنبش‌های عربی

< یک یا چند جامعه‌شناسی

< ویراستاران ایرانی ما

< جایگاه جهانی جامعه‌شناسی فرانسوی‌زبان

< پیچ تاریخ: مطالب آرشیوی بیشتر درباره AISLF

< چالش‌های پیش روی جامعه‌شناسی هند

< جامعه‌شناسی مردم‌مدار در دانشگاه آنکارا

< دموکراتیک‌سازی آینده‌ها

# < سرمقاله

## روی خط آی‌اس‌ای - آینده جامعه‌شناسی



آینده جامعه‌شناسی چینی. در این مصاحبه، روشنفکر برجسته و جامعه‌شناس چینی، لیپینگ سون، جایگاه جامعه‌شناسی را در زندگی عمومی چین شرح می‌دهد و توضیح می‌دهد که چرا چین، در رأس رکود قرار دارد.



درباره ستاره‌سازی در آکادمی. روبرت ون کریکن درباره تهاجم ستاره‌سازی در دانشگاه می‌نویسد؛ [فرابندی] که سیستمی شبیه ستاره‌سازی در هالیوود می‌سازد که در آن «برنده همه چیز را می‌برد» و به تجاری‌شدن مخربی کار علمی منجر می‌شود.



از استاد جامعه‌شناسی به راهنمای آشپزی. به دنبال حرفه دیگری هستید؟ جامعه‌شناس ترک، ودات میلور به ما می‌گوید که چطور به یک چهره تلویزیونی با گروهی از طرفداران، تبدیل شد، که همگی بر برنامه آشپزی پخش‌شده در بهترین ساعت تلویزیون بنا شده است.

دو سال از آغاز به کار مجله گفتگوی جهانی می‌گذرد. ما از ۸ صفحه به ۳۰ صفحه و از ۵ زبان به ۱۳ زبان رسیده‌ایم. ما کار خود را با یک الگوی استاندارد شروع کردیم و به یک نوع طراحی ویژه دست یافتیم و این خبرنامه را به یک مجله تبدیل کردیم. این مجله به صورت اینترنتی منتشر می‌شود، اما هر کجا که می‌روم نسخه‌های چاپی آن (به زبان همان‌جا) در کیف من سنگینی می‌کند. مجله گفتگوی جهانی در پیچه‌ای جامعه‌شناختی به تحولات جهانی می‌گشاید و محلی برای ثبت فعالیت‌های انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، کنفرانس‌ها، مباحث جامعه‌شناختی، ستون‌های ویژه، اخبار جامعه‌شناسی‌های ملی و غیره است. اما مهم‌تر از همه اینها، گفتگویی است که این مجله در درون و در میان گروه‌های ترجمه به راه انداخته است. مثلاً در این شماره اعضای جوان و مشتاق لابراتوار جامعه‌شناسی مردم‌مدار ورشو از کنفرانسی که برای راه‌اندازی مجله گفتگوی جهانی به زبان لهستانی برگزار کردند گزارشی تهیه کرده‌اند؛ کنفرانسی که موجب گسترش دامنه بحث گفتگوی جهانی درباره چهره جهانی و جهان‌شمول جامعه‌شناسی می‌شود. بنابراین، یکی از نتایج راه‌اندازی مجله گفتگوی جهانی ایجاد شبکه‌ای از گروه‌های هم‌بسته جامعه‌شناسان جوان که مروج نسخه‌های متنوع جامعه‌شناسی جهانی هستند، بوده است.

قاعده مشابهی نیز بر کلاس جهانی «جامعه‌شناسی مردم‌مدار، گفتگوی زنده!» حاکم است. در اینجا گروهی از جامعه‌شناسان مستعد وجود دارند که در جوامع خود مشغول زندگی و پژوهش هستند و برای دانشجویان کنجاو دوره کارشناسی دانشگاه برکلی از تجارب اشتغال خود می‌گویند. آنها از Skype برای ایجاد ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. این جامعه‌شناس‌های فوق‌متعهد مردم‌مدار بسیار به کارشان علاقه‌مند هستند و مطالعات خود را رها نمی‌کنند. این گفتگوها ضبط شده و روی تارنمای انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد و هر کس که بخواهد می‌تواند با مراجعه به نشانی اینترنتی

<http://www.isa-sociology.org/public-sociology-live> این گفتگوها را تماشا کند. به خصوص، دانشجویان و اساتیدی که در شهرهای بارسلونا، تهران، ژوهانسبورگ، سائو پائولو، کی‌اف و اسلو به تماشای این گفتگوها می‌پردازند و چکیده بحث‌های خود را روی فیس‌بوک می‌گذارند، با این کار به نوبه خود موجب در گرفتن بحث و مناظره بیشتر می‌شوند. در نتیجه ما مراکز، لابراتوارها و نهادهایی ایجاد می‌کنیم که از طریق ایجاد ارتباط با دیگران از فعالیت‌های یکدیگر مطلع می‌شوند، این کار موجب رشد اجتماع جامعه‌شناسان جهانی می‌شود که به خاطر تفاوت‌هایشان به یکدیگر پیوند خورده‌اند.

رسانه‌های اجتماعی باعث تقویت و افزایش میران تعاملات چهره به چهره می‌شوند و هم‌زمان سطح این تعاملات را جهانی می‌کنند. مثلاً در این شماره لاله بهبهانیان مطلبی درباره مجموعه ویدئویی سفرهایی به جامعه‌شناسی نوشته و از اعضای پخش و پراکنده کمیته اجرایی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی می‌پرسد که چه چیزی آنها را به سوی جامعه‌شناسی کشانده و در این راه با چه چالش‌هایی مواجه هستند. بیشتر اعضا قبلاً نمی‌توانستند مسئولان انجمن را ببینند یا صدایشان را بشنوند، اما آنها حالا به راحتی با یک کلیک در دسترس هستند. بنابراین در اینجا نمونه کارهایی ارائه می‌شود که به طور کلی انجام آن از هر کجای دنیا امکان‌پذیر است؛ مدل‌هایی که دیگران می‌توانند از آنها کپی کرده، آنها را اصلاح کنند و بهبود ببخشند. اینترنت هم می‌تواند منجر به تنزل کیفیت آموزش شود و هم می‌تواند به آن کمک کند. می‌تواند موجب تضعیف ارتباطات شود و هم آن را تقویت کند. بنابراین ما به میزانی که کنترل اینترنت را در اختیار داریم می‌توانیم در مورد نحوه استفاده از آن تصمیم بگیریم.

گفتگوی جهانی ۵ بار در سال در ۱۳ زبان منتشر می‌شود و در سایت ISA قابل دسترسی است. نوشته‌های خود را به مایکل بورووی ارسال کنید: [burawoy@berkeley.edu](mailto:burawoy@berkeley.edu)

## < این شماره:

|   |                                                     |
|---|-----------------------------------------------------|
| ۲ | سرمقاله: آینده جامعه‌شناسی                          |
| ۴ | آینده جامعه‌شناسی چینی<br>مصاحبه با لیپینگ سون، چین |

## < ستاره‌سازی

|   |                                                            |
|---|------------------------------------------------------------|
| ۶ | درباره ستاره‌سازی در دانشگاه<br>روبرت ون کریکن، استرالیا   |
| ۸ | از استاد جامعه‌شناسی تا راهنمای آشپزی<br>ودات میلور، ترکیه |

## < خشونت و اعتراض در آمریکای لاتین

|    |                                                 |
|----|-------------------------------------------------|
| ۱۱ | خشونت زمردهای سبز<br>جان پارا، کلمبیا           |
| ۱۳ | استرداد زمین در کلمبیا<br>نادیا رودریگز، کلمبیا |
| ۱۵ | جنبش دانشجویی در شیلی<br>میلتون ویدال، شیلی     |

## < در ISA چه می‌گذرد؟

|    |                                                          |
|----|----------------------------------------------------------|
| ۱۷ | نشست کمیته اجرایی در بیروت، ۲۰۱۲<br>مایکل بورووی، آمریکا |
| ۲۰ | لابراتوار دکتری، نوامبر ۲۰۱۲<br>تینا اویس، آفریقای جنوبی |
| ۲۱ | سفر به جامعه‌شناسی<br>لاله بهبهانیان                     |

## < کنفرانس‌ها

|    |                                                                                                        |
|----|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲۳ | جنبش‌های عربی<br>آمینا عربی و جولیان جورجنمیر، لبنان                                                   |
| ۲۵ | یک یا چند جامعه‌شناسی؟ گفتگوی لهستانی<br>میکولاژ میژوسکی، کارولینا میکولاژوسکا و جاکوب روزنهام، لهستان |

## < ستون‌های ویژه

|    |                                                                      |
|----|----------------------------------------------------------------------|
| ۲۷ | معرفی گروه‌های ویراستاری: گروه ایران<br>ریحانه جوادی، ایران          |
| ۲۸ | جایگاه جهانی جامعه‌شناسی فرانسوی‌زبان<br>آندره پتیتات، سوئیس         |
| ۳۰ | پیچ تاریخ: مطالب بایگانی بیشتری درباره AISLF<br>جنیفر پلات، انگلستان |

## < از مناطق

|    |                                                                                 |
|----|---------------------------------------------------------------------------------|
| ۳۱ | چالش‌های پیش روی جامعه جامعه‌شناسی هند<br>ایشوار مودی، هند                      |
| ۳۲ | جامعه‌شناسی مردم‌مدار در دانشگاه آنکارا<br>گوونار ارتونگ و یونکا اوداباش، ترکیه |
| ۳۳ | دموکراتیک‌سازی آینده‌ها<br>مارکوس اس اسکالز، ایالات متحده آمریکا                |

## < شورای سردبیری:

سردبیر:  
مایکل بورووی.

سردبیران اجرایی:  
لولا بوسوتی، آگوست باگا.

همکاران تحریریه:  
مارگارت آبراهام، تینا اویس، راکاثل سوسا، جنیفر پلات، رابرت ون کریکن.

سردبیران مشاور:  
ایزابلا بارلینسکا، لوئیس شوول، دیلک سینداگلو، تام دووایر، جان فرینز، سری حنفی، خایمی خیمینز، هبیبول کاندکر، سایمون مپادیمنگ، ایشوار مودی، نیکیتا پوکروسکی، اما پوریو، یوشیمیچی ساتو، ویناتا سینا، بنجامین تییرینا، چین-چان بی، الناز دراومیسلاوا.

ویراستاران منطقه ای  
جهان عرب:  
سری حنفی و مونیر سیدانی.

برزیل:  
گوستاو تانیگوتی، جولیان تانچ، پدرو مانچینی، فابیو سیلوا  
تسوندا، سلیا دا گراکا آریباس، آندریزا گالی، رناتا بارتو پریتورلن.

کلمبیا:  
ماریا خوزه آلوارز ریوادولا، سباستین ویلمیزار سانتاماریا،  
آندرس کاسترو آروجا.

هند: ایشوار مودی، راجیو گوپتا، راشمی جین، یودی سینگ.

ایران:  
ریحانه جوادی، شهراد شهوند، فاطمه مقدسی، ساغر بزرگی،  
نسترن محمودزاده، نجمه طاهری، تارا عسگری لاله، میلاد رستمی.

ژاپن:  
کاراهیسا نیشیهارا، ماری شیبای، تاموهیرو تاکامی، یوتاکا  
ایوادیتسه، کازاهيرو ایکدا، یو فوکودا، میچیکو سامبه، تاکاکو  
ساتو. کوسوکو هیمنه، شوهی اوگاوا، یوکو هوتا، یوسوکه کوساکا

لهستان:  
میکولاژ میرزژوسکی، کارولینا میکولاژوسکا، جاکوب روزنهام،  
مایکال چلمینسکی، امیلیا هودزینسکا، جولیا لگات، آدام میولر،  
وجتک پرچوک، آنا پیکتوسکا، آنا ارزسینیک، کنراد سیمازسکو،  
زوفیا ولودارسکیزیک

روسیه:  
النا زدرانو میسلووا، آنا کادنیکووا، الناز نیکوفورووا، آسجا ورونکووا.

تایوان:  
جینگ-مو آهو.

ترکیه: نیلیا چابک کایا، گونور ارتونگ، یونکا اوداباش، مصطفی  
آیکوت آتار

مشاوران رسانه ای: آنی لین، خوزه ریگوئرا



# < آینده جامعه‌شناسی چینی؟ مصاحبه با لیپینگ سون

این مصاحبه توسط مایکل بورووی و به کمک پروفیسور یوآن شن، لینا هو و زئوینگ چنگ برای گلوبال دیالوگ انجام شده است. لیپینگ سون یکی از روشن‌فکران مردمی و برجسته چین است. او استاد جامعه‌شناسی دانشگاه سینگوآ در پکن است.

مب: شما به تازگی مطالبی دربارهٔ به بن‌بست رسیدن یا توقف توسعهٔ چینی نوشته‌اید و آن را «تلهٔ گذار» نامیده‌اید. منظورتان از «تلهٔ گذار» چیست؟

ل س: تلهٔ گذار به معنی توجه نشان دادن به فرایند اصلاحاتی است که مانع اصلاحات بیشتر می‌شود. کسانی که از این اصلاحات نفع می‌برند، خواهان حفظ وضع موجود هستند و امیدوارند که قالب‌های نهادی را ثابت نگه دارند و ویژگی‌های در حال تحول آن‌ها را حفظ کنند. همچنین می‌خواهند «نهادهای مختلط»ی تأسیس کنند که منافع‌شان را به حد اعلیٰ برساند. همهٔ این مسائل باعث تحریف توسعهٔ اجتماعی اقتصادی می‌شود و انبوهی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی را به بار می‌آورد. گذار چین، در مقایسه با گذار اتحاد شوروی و اروپای شرقی، نوعی گذار گام به گام است و همین امر نیز مسئله‌ساز می‌شود، چراکه موفقیت اولیهٔ این فرایند اصلاحی، خود باعث ایجاد موانعی بر سر راه آن شده است.

مب: دقیقاً منظورتان چیست؟

ل س: انحصار دولت بر همهٔ منابع و ظرفیت اجرایی بالای آن، ضامن موفقیت اقتصادی چین بوده است. این مدل ویژهٔ توسعهٔ اقتصادی، بر بوروکرات‌های فاسدی متکی است که از طریق یک دولت رانت‌جو مشغول فعالیت هستند. با این حال، گسترش این بوروکراسی قدرتمند، مانع گذار بیشتر به سوی یک اقتصاد بازار واقعی مبتنی بر «حکومت قانون» شده است.

مب: شما یک روشن‌فکر مردمی معروف در چین هستید. این مسئله برای شما به چه معنا است؟ شما در عمل چگونه جامعه‌شناسی را در



جامعه‌شناس برجستهٔ چینی، لیپینگ سون، نکتهٔ جالبی دربارهٔ تلهٔ گذار مطرح می‌کند



میان مخاطبان مختلف ترویج می‌کنید؟ جامعه‌شناسی مردم‌مدار شما چه تأثیراتی در خودتان داشته است؟

ل.س: تفاوت میان جامعه‌شناسی «سنتی» و جامعه‌شناسی «مردم‌مدار» از این قرار است: جامعه‌شناسی سنتی در وهله اول به تولید دانش درباره زندگی اجتماعی علاقه‌مند است. این دانش جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما این تأثیرات به صورت «غیر مستقیم» و در واقع پیامد پیش‌بینی نشده جامعه‌شناسی سنتی است. در مقابل، هر چند جامعه‌شناسی مردم‌مدار نیز منجر به تولید دانش درباره جامعه می‌شود، علاقه اولیه آن به تأثیرگذاری در جامعه است. به گفته رابرت مروتون، کارکرد بارز جامعه‌شناسی سنتی در تولید دانش و کارکرد پنهان آن در تأثیرگذاری در جامعه است. جامعه‌شناسی مردم‌مدار، درست در مقابل جامعه‌شناسی سنتی قرار می‌گیرد.

تفاوت میان این دو نوع جامعه‌شناسی در حین انتخاب موضوع پژوهش و شیوه نتیجه‌گیری آن مشخص می‌شود. ما وقتی در چین به انتخاب یک موضوع پژوهشی دست می‌زنیم، اولویت را به مهم‌ترین مشکلات اجتماعی‌ای می‌دهیم که نیازمند راه‌حل هستند؛ مثلاً پژوهش درباره وقوع تغییر در ساختار اجتماعی در طی فرایند گذار، تضادها و تعارض‌های اجتماعی، تله گذار و مانند آن. هدف ما روشن است: رسیدن به نتایجی که در درک عمومی از موضوعات مورد بررسی تأثیر بگذارد و حتی اثر گذاشتن در سیاست‌گذاری‌های حکومتی.

سه راه عمده برای تأثیرگذاری وجود دارد: انتشار مقالات آکادمیک در مجلات علمی برای تحت تأثیر قرار دادن جهت حرکت رشته جامعه‌شناسی؛ ایراد سخنرانی در رسانه‌های جمعی (از جمله رسانه‌های اجتماعی همچون توئیتر) برای تأثیرگذاری در درک عمومی؛ نوشتن گزارش‌های پژوهشی با موضوعات خاص و تأثیرگذاری در دولت از طریق انتشار این گزارش‌ها در رسانه‌های خبری و اجتماعی. با این حال، ما به طور کلی مستقیماً وارد فعالیتهای اجتماعی نمی‌شویم.

م.ب: به نظر شما نقش یا کارکرد جامعه‌شناسی، در چین امروز چیست؟

ل.س: از آنجا که جامعه سنتی چین دستخوش تغییرات اجتماعی چشمگیری شده، جامعه‌شناسی تأثیر بیشتری در زندگی مردم دارد. در این روزگار، جامعه‌شناسی می‌تواند به اندازه سیاست‌های دولت، در نظرهای مردم تأثیرگذار باشد. بنابراین، جامعه‌شناسان مدل‌های مختلفی از صنعتی‌شدن (نظیر شرکت‌های شهری و روستایی یا TVEs) ارائه کرده و توصیه‌هایی در خصوص پیوستگی توسعه روستایی و شهری کرده‌اند که دولت در سطح محلی از آن‌ها حمایت می‌کند. مفاهیم نظری مطرح‌شده توسط جامعه‌شناسان، مانند مفهوم «اجتماع»، سرلوحه اسناد سیاستی دولتی شده و به دنبال کنار گذاشتن نظام واحد کاری، این مفاهیم منجر به انجام گرفتن اقداماتی در زندگی عمومی شده‌اند.

م.ب: امروزه، مشکلات پیش روی یک روشن‌فکر مردمی چینی چیست؟ آیا چیزی هست که شما نتوانید درباره آن بنویسید یا سخن بگویید؟ یا اینکه راه خاصی برای دور زدن موضوعات حساس دارید؟ شما منتقد دولت هستید، چگونه از خطرهای جان سالم به در می‌برید؟

ل.س: در واقع، در اوضاع فعلی چین محدودیت‌های بسیاری درباره صحبت کردن بر سر موضوعات عمومی وجود دارد. با این حال، ضمناً باید یادآور شد که آزادی عمل روشن‌فکران مردمی، بیشتر از چیزی

است که شما تصور می‌کنید. بسیاری از مسائل عمومی مستقیماً به بحث گذاشته می‌شوند. همچنین می‌توان برخی از موضوعات حساس را در قالب «الفاظ ظریف و سنجیده» بیان کرد. مثلاً می‌توان با ذکر نمونه‌های تاریخی درباره واقعیت‌های امروزی سخن گفت یا می‌توان با اشاره به تجربه اتحاد شوروی و اروپای شرقی و غیره، درباره چین حرف زد. ظهور اینترنت، وبلاگ‌ها و توئیتر موجب گسترش چشمگیر فضای بحث مستقیم درباره موضوعات حساس شده؛ زیرا نظارت بر رسانه‌های خبری نسبت به گذشته کمتر است. همچنین باید بگویم که واقع‌بینی جامعه‌شناسی و تمرکز آن بر شواهد (یعنی علمی‌بودن جامعه‌شناسی) به گسترش فضای بحث آزادانه درباره مسائل عمومی کمک کرده است.

م.ب: چه شد که وارد رشته جامعه‌شناسی شدید؟ شنیده‌ام که سال‌ها بر روی پروژه‌های مربوط به تاریخ شفاهی دهقانان کار می‌کرده‌اید. از چنین پژوهش جامعه‌شناختی‌ای، چه چیزهایی آموختید؟

ل.س: من ابتدا دانشجوی ارتباطات بودم و سپس در سال آخر دانشگاه، به جامعه‌شناسی تغییر رشته دادم. آن موقع، دوران بازسازی جامعه‌شناسی در چین پس از یک دوره ممنوعیت ۳۰ ساله بود. در دهه ۱۹۸۰، علاقه اصلی پژوهشی من به نوسازی بود، چرا که آن موقع نوسازی موضوع اصلی مورد بحث در جامعه چین بود. مطالعه من درباره جوامع روستایی از طریق تاریخ شفاهی، در سال ۱۹۹۶ آغاز شد. هدف من، گردآوری اطلاعاتی درباره جامعه روستایی به منظور درک زندگی روزمره دهقانان و فهم «منطق عمل کمونیستی» موجود در این زندگی بود. ما می‌خواستیم اصلاحات اقتصادی چین را به مثابه یک فرایند «گذار تمدنی»، تجزیه و تحلیل کنیم؛ یعنی فرایندی که زندگی اجتماعی را سازماندهی می‌کرد و اعمال روزانه مردم را در بر می‌گرفت. به همین دلیل بود که به مناطق روستایی رفتم تا با دهقان‌ها درباره تجربیاتشان در دوره انقلاب مصاحبه کنم.

م.ب: در طول ۳۰ سال گذشته، شاهد چه تغییراتی در جامعه‌شناسی بوده‌اید؟ آینده جامعه‌شناسی چینی را چگونه می‌بینید؟

ل.س: مکتب امریکایی دغدغه انباشت دانش دارد، مکتب اروپایی دل‌مشغول ارزش‌ها است و مکتب چینی نیز علاقه‌مند به واقعیت است. یعنی مکتب چینی سنتاً به واقعیت توجه دارد. با این حال، به دلیل تأثیرات جامعه‌شناسی امریکایی و همچنین چند عامل دیگر، توجه جامعه‌شناسی چینی به واقعیت رو به کاهش است. به نظر می‌آید که رشته جامعه‌شناسی بیشتر سرگرم مطالعه خود دانش جامعه‌شناسی است تا جامعه. حتی زمانی که تحقیقی درباره جامعه انجام می‌شود نیز این تمایل وجود دارد که دانشی چندپاره تولید شود.

من همواره معتقد بوده‌ام که مطالعه نهادهای اجتماعی، مخصوصاً بررسی رویدادها و فرایندهای آن‌ها، بسیار مهم است. این مسئله، حتی اگر دل‌مشغول بسط خود جامعه‌شناسی باشیم، حائز اهمیت است. بنیان‌گذاران رشته جامعه‌شناسی، همگی دغدغه توضیح‌دادن تمدن سرمایه‌داری را داشتند. از طرف دیگر، بدون شک، کمونیسم نماینده یکی دیگر از تمدن‌های مهم تاریخ بشری بوده است. کمونیسم مجموعه نهادهای ارزش‌ها و منطق‌هایی دارد که با سرمایه‌داری غربی خیلی متفاوت هستند و در سال‌های اخیر نیز دستخوش تحولات تاریخی شده‌اند. من معتقدم که مطالعه ویژگی‌ها، منطق‌ها و فرایندهای گذار این تمدن کمونیستی باید الهام‌بخش و انگیزه‌ای جدید برای جامعه‌شناسی معاصر و در واقع کل علوم اجتماعی باشد. ■

# < درباره ستاره‌سازی در آکادمی

رابرت فن کریکن، دانشگاه سیدنی، استرالیا، رئیس اداره امور مالی و عضویت  
انجمن جامعه شناسی بین المللی در فاصله سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴

به چندین طریق می‌توان چنین گرایش‌هایی را بررسی و تحلیل کرد، اما تأملاتی که من در این نوشتار بیان خواهم کرد به نحوی هستند که در آن‌ها گونه‌ای خاص از «عقلانیت مبتنی بر شهرت» نیز دخیل است. پیوندی میان مکانیسم‌های اقتصادی و اجتماعی تشکیل دهنده بن و بنیاد وضعیت چهره‌هایی اجتماعی که معمولاً به عنوان ستاره می‌شناسیم- بازیگران، چهره‌های سرشناس برنامه‌های تلویزیونی و ستاره‌های ورزشی- و تحولاتی که دانشگاه‌ها را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهند، وجود دارد. پروژه کلان‌تر من این بود که از طریق تحلیل دوباره شهرت به دغدغه‌های نظری محوری در جامعه‌شناسی از قبیل نابرابری، هویت، قدرت و حکومت بپردازم و پژوهش علمی به طرق مختلف نمونه‌ای مهم از روندها و پویایی‌های جامعه شهرت‌مدار است.



پیر بورديو، ستاره‌ای مخالف ستاره‌سازی

پیش از این هم بحث‌هایی پیرامون مشهور بودن (ستاره بودن) در نوشته‌های رابرت مایکل و دیگران وجود داشته ولی در این میان سی. رایت میلز سهم مهمی داشته است. این سهم ناشی از اشاره او به شیوه‌های تأثیر انواع و اقسام رقابت‌ها در معرفی افرادی خاص به عنوان ستاره است. او از بازیگرانی مطرح صحبت می‌کند که نقش مرجعی عملی و شناختی برای سایر رقابت‌کنندگان دارند. میلز در کتاب نخبگان قدرت (آکسفورد، ۱۹۵۷: ۷۴) می‌نویسد:

در آمریکا نظام جامعه به گونه ایست که کسی که بتواند چند توپ سفید کوچک را بهتر از هر کس دیگری در چندین سوراخ زمین بیندازد می‌تواند به چنان سطحی از محبوبیت اجتماعی دست یابد که با رئیس جمهور ایالات متحده ارتباط داشته باشد. و یا مجری پر حرف [برنامه‌های سرگرم‌کننده] تلویزیون یا رادیو می‌تواند به صمیمی‌ترین دوست مدیران صنعتی کشور، اعضای کابینه و مقامات ارشد نظامی بدل شود. مهم نیست که این فرد در چه زمینه‌ای توانمند است؛ مهم این است که مادامی که بتواند بر رقیبانش برتری یابد، یک چهره محبوب و سرشناس خواهد بود.

البته این حرف میلز کاملاً درست نیست، هرچند قهرمان گلف هم به واسطه شهرتش به سطوح بالایی دست می‌یابد، این ستاره‌های راک هستند که بیش از دیگران امکان ارتباط با رئیس جمهور کشور را پیدا می‌کنند. نکته اصلی این است که دامنه و میزان دیده شدن است که برجستگی و شهرت فرد را تعیین می‌کند. فارغ از اینکه در آغاز چه عاملی سبب برجسته شدن فرد شده است.

امروزه به وضوح می‌توان شکاف‌هایی را در دانشگاه‌ها مشاهده کرد که روز به روز عمیق‌تر و دامنه‌دارتر می‌شوند و اجتماع دانشگاهی را به طور کلی به سه گروه تقسیم می‌کنند:

۱. یک دسته ی سرآمد از پژوهشگران سرشناس که یا کمتر به تدریس یا مسئولیت‌های اجرایی اشتغال دارند و یا بالکل از این فعالیت‌ها به دور هستند.

۲. «طبقه ای میانی» از کسانی که در آن واحد به تدریس و تحقیق می‌پردازند که از هر دو طرف تحت فشاری مدام در حال افزایش‌اند؛ از آن‌ها خواسته می‌شود که هم تحقیقات بیشتر و بهتری انجام دهند و هم به تعداد روز به روز بیشتری دانشجو درس بدهند. حاصل کار دسته نخست یعنی گروه برجسته پژوهشگران صرف، به عنوان معیار داوری پژوهش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد اما این معیار برای افراد دسته اخیر دست‌یافتنی نیست. به همین دلیل آنها محکوم به شکست و سرخورده‌گی و در پی دست‌یابی به جایگاه والای پژوهش صرف هستند.

۳. گروه کثیر پرولتاریای در حال گسترشی از معلمان و پژوهشگران پاره‌وقت و غیر رسمی که شرایط کاری نامطمئن و نامناسبی را تجربه می‌کنند و همواره امیدوارند روزی شغل تمام‌وقت و حق استادی دائمی پیدا کنند.

روبرت مرتون این مسئله را چنانکه در فعالیت‌های علمی دیده می‌شود، با نام «اثر متی» صورت‌بندی می‌کند و در این نامگذاری به انجیل متی ۲۵:۲۹ اشاره دارد: «آنکه دارد، بیشتر خواهد داشت و در فراوانی غرقه خواهد شد و آنکه ندارد، هیچ نخواهد داشت، حتی آنچه دارد را هم از کف می‌دهد.» به نظر مرتون دانشمندانی که جایزه نوبل را دریافت می‌کنند به مراتب بیشتر از همکاران و همترازان‌شان مورد توجه قرار می‌گیرند. مهم نیست که برتری پژوهشی که سبب دریافت جایزه شده در چه بوده، همین که به پژوهشگری توجه ویژه می‌شود برای برتری او کفایت می‌کند.

این مطلب را هربرت سیمون در سال ۱۹۷۱ به تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار داد. به نظر او هر زمان در جایی انبوهی از دانش و معرفت وجود داشته باشد ولی چندان به چشم نیاید، آنچه در این موقعیت کم اما ضروری است «توجه» است. توجه به این معنا عبارت است از توان جهت دادن شناخت در جهتی خاص یا به امری خاص از میان سایر امور. «توجه» حقله‌ی مفقوده یا خیر موقعیتی در جریانی است که ریچارد سنت آن را «سیستم ستاره سازی» در موسیقی می‌داند. منظور او از این تعبیر این است که یک موسیقی دان یا نوازنده تنها زمانی قادر است فراتر از دیگران قرار بگیرد که بتواند خصوصیات شخصیتی لازم برای جلب توجه را داشته باشد و در جلب توجه توده‌ی مخاطبان، از سایر رقبا پیشی بگیرد.

توجه روزافزون به رده‌بندی‌های جهانی و اصلاح مدام روش‌های ارزیابی و سنجش عملکرد، فضایی رقابتی میان گروه‌های آکادمیک، دانشگاه‌ها و کشورها به وجود می‌آورد و هر کجا رقابتی در میان باشد، سیستم در حال تولید فرد یا مجموعه‌ای سرشناس - از قبیل محقق سرشناس، دانشور برجسته و دانشگاه منحصر به فرد- است. ممکن است بگویید میزان ارجاعات به یک پژوهش، معیاری است برای سنجش اینکه این پژوهش تا چه حد تأثیرگذار بوده است، اما این معیار چیز دیگری هم هست و آن این که نویسنده آن پژوهش چقدر شناخته شده است. وقتی نقل‌قولی از بورديو یا کسی چون او را در کار خود می‌آوریم، علت اصلی‌اش این نیست که بود یا نبود آن ارجاع تفاوت چشمگیری در تحلیل ما ایجاد می‌کند، بلکه ما از این طریق می‌خواهیم آشنایی خود با بورديو را به مخاطب نشان دهیم.

سیستم فعلی شهرت آکادمیک در سه سطح عمل می‌کند: فردی (معمولاً پژوهشگران و به ندرت معلمان)، سازمانی (دانشگاه‌ها) و ملی یا منطقه‌ای (کشورها یا فرهنگ‌های کشورها). معرفی این سه سطح ممکن است استعاره به کار برده شده را کمی از لحاظ معنایی گسترش دهد، با این حال در بسیاری از وجوه افراد، سازمان‌ها یا کشورها می‌کوشند - یا مجبورند بکوشند - کیم کارداشین [سوپرستار] زمینه علمی خود یا میان دانشگاه‌های سطح جهان باشند. دقیقاً به همان صورت که دیده شدن سوپرستاری چون کیم کارداشین به او امکان کسب درآمد از طریق جلب حامی مالی و فروش عکس‌ها و مارک

پوشاکش را می‌دهد، رده‌بندی هم برای یک دانشگاه مهم است چرا که بر تعداد دانشجویان آن، موقعیت اجتماعی و میزان حمایت‌های مالی از سوی حامیان آن، خیرین و دولت می‌افزاید. و به همین دلیل است که دانشگاه‌ها پول و وقت زیادی صرف توسعه و بهبود نام و نشان خود می‌کنند.

از تحلیل جامعه‌شناختی مقوله ستاره‌شدن چه چیزهایی می‌توان آموخت که به کار پاسخ‌دادن به تغییرات پیش‌گفته در دانشگاه بیاید؟ در اینجا نمی‌توان به طور کامل و با تمامی جزئیات به این مسئله پرداخت ولی می‌کوشم به عنوان آغازی بر این بحث به معرفی چند حالت ممکن بپردازم. نخست اینکه اگر نظام دانشگاهی را به مثابه ماشین تولید و توزیع توجه در نظر بگیریم و باور داشته باشیم که مسئله اصلی ارزش پژوهشی اثر تولید شده در دانشگاه نیست بلکه مسئله اصلی توجه است، این امکان به وجود خواهد آمد که درکی نقدانه‌تر به بازی [رقابت] بر سر جایگاه و موقعیت در دانشگاه‌ها داشته باشیم. درک اینکه آنچه به عنوان شایسته‌سالاری معرفی می‌شود چیزی نیست جز «ستاره‌سالاری» به ما کمک خواهد کرد بپذیریم بسیاری از گرایش‌های اصلی در دانشگاه‌ها در واقع پیرامون تلاش برای جلب توجه تعریف می‌شوند.

دوم اینکه اگر بپذیریم بازی فعالیت‌های دانشگاهی همان بازی ستاره‌سازی [خارج از آکادمی] است، می‌توانیم با مشاهده آنچه در قلمروی وسیع‌تر [بازی] شهرت در سایر حوزه‌ها جریان دارد استراتژی‌های مشابهی را در فعالیت‌های آکادمیک خود اتخاذ کنیم. همه ما شنیده‌ایم که اندی وارمول می‌گوید «در آینده هر کسی [فقط] برای ۱۵ دقیقه مشهور خواهد بود» اما او بعدها تعبیر دیگری را به جای این عبارت به کار برد و گفت «در ۱۵ دقیقه هر کسی مشهور خواهد شد». این ساز و کار را به خوبی می‌توانیم در ازدیاد گونه‌های مختلف افرادی که روز به روز در میدان فعالیت‌های بیشتری مطرح و شناخته (ستاره) می‌شوند، مشاهده کنیم.

به جای پذیرفتن سلسله‌مراتب موقعیت‌های دانشگاهی که در حال حاضر به صورت نظامی ماشینی درآمد و شبیه سیستم ستاره‌سازی هالیوود در دوران قدیم است می‌توانیم سیستم شناسایی و قدردانی خاص خودمان را داشته باشیم و به سطوح «پایین‌تر» اهمیت دهیم و از پژوهشگران غیر مشهور حمایت کنیم. به قیاس تمثیل پیش‌گفته، می‌توانیم گسترده‌ای از شبکه‌های پژوهشی را به وجود آوریم که هرچند به ستاره‌سازی منتهی نمی‌شوند ولی از آن‌ها لذت می‌بریم یا گمان می‌کنیم انجام‌شدنشان خوب است و به کاری می‌آید. می‌توانیم منطق «همه چیز برای برنده است» را که این روزها در دانشگاه‌ها در حال اجراست، رد کنیم، تا خودمان را با یکدیگر آشنا کنیم، به جای اینکه یکدیگر را با «خیره‌شدن به مرکز» با تمرکز بر ستاره‌سازی دانشگاهی گمراه کنیم. ■

# < ستاره شدن:

## از استاد جامعه‌شناسی تا راهنمای آشپزی

ودات میلور، استانبول، ترکیه

ودات میلور، راهنمای آشپزی. چندان از غذایش راضی نیست



حاصل از آن‌ها داوری می‌کنم، به آشپزها انتقاد می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم درباره غذایی که پخته‌اند توضیح بدهند. همچنین، اگر رستوران، لیست مشروت داشته باشد، می‌خواهم که از هر کدام یک گیلان پر کنند و نظرم را درباره هر کدام از آنها می‌دهم.

من به همراه تهیه‌کننده این شبکه و دو فیلمبردار سفر می‌کنم. اغلب به رستوران‌های ترکیه سر می‌زنیم ولی تا به حال به رستوران‌هایی در رم، کاتالونیا، جورجیا، سوریه و لبنان هم رفته‌ایم. در پایان بازدید از هر رستوران، دو سه دقیقه‌ای به ارزیابی کلی غذاها می‌پردازم و در نهایت، با دادن ستاره،

مضطرب‌شدن از مرد قذبلند می‌پرسد: «چرا در این غذا، به جای شراب شیرین از سرکه سیب استفاده کرده‌اید؟»

نمی‌توانم جلوی خنده‌ام را بگیرم. با حالتی از ناباوری و سردرگمی دارم خودم را در تلویزیون تماشا می‌کنم. البته این برنامه، یک «نمایش واقعی» نیست. برنامه مربوط به خوردنی‌هاست که می‌دانم در ساعات پربیننده روز و اواخر هفته، در یک شبکه بزرگ تلویزیونی در ترکیه، با نام ان تی وی پخش می‌شود. من ستاره این برنامه هستیم؛ در این برنامه به رستوران‌های مختلف سر می‌زنم، تعداد زیادی غذا را امتحان می‌کنم، در مورد کیفیت اجزاء و مزه غذای

ممکن است گمان کنید شخصی که در صفحه تلویزیون روبروی من نشسته، در حال شرکت در یک نشست معنوی است. او سرش را میان دست‌هایش گرفته و چشمان نیمه‌بازش بر نقطه خاصی متمرکز شده‌اند. ناگهان تلفن همراهش از جیب کتش سر می‌خورد و به داخل دریا می‌افتد. این اتفاق یک اغتشاش است. در این لحظه، دوربین، مرد قذبلند و لاغری را با پیشبند آشپزی و در حالی که دو دندان جلوی دهانش افتاده، نشان می‌دهد. او با فریاد از خدمتکار می‌خواهد تلفن همراه او را پیدا کرده و تحویلش دهد. در این میانه اما، مرد روبروی من به طرز عجیبی انگار هیچ خبری از این اتفاق بد ندارد او به جای



به آن رستوران نمره می‌دهم. محدوده ستاره‌ها از یک تا پنج است. وقتی به رستورانی چهار یا پنج ستاره می‌دهم، آن رستوران گوی سبقت را از رقبای خود می‌رباید و حتی اگر تا پیش از این کاملاً خالی از مشتری بوده باشد، از این پس با تعداد زیادی از مشتریان مواجه می‌شود.

من یک آشپزم؟ نه. به سختی قادرم یک تخم مرغ را بپزم. من یک ستاره‌ام؟ بله. مردم مرا در خیابان به می‌شناسند و همیشه تقاضای عکس گرفتن می‌کنند. در بسیاری از انجمن‌های مجازی درباره من می‌نویسند. پیوسته درباره شخصیت و انگیزه‌هایم حدس‌هایی می‌زنند و همیشه کنجکاوند اطلاعاتی درباره زندگی شخصی من به دست بیاورند. مدام نامه‌هایی از دانشجویان به دستم می‌رسد که می‌پرسند: «چطور می‌توانیم مثل تو بشویم؟» و همچنین پیوسته نامه‌هایی از والدین دانش‌آموزان دبیرستانی به دستم می‌رسد که از من می‌خواهند دست‌خطی برای فرزندانشان بفرستم چرا که من «اسطوره» آن‌ها هستم و آن‌ها می‌خواهند وقتی بزرگ شدند «ودات میلور» بشوند.

اما من کی هستم؟ همه این چیزها چطور اتفاق افتادند؟ وقتی به ۳۰ سال پیش نگاه می‌کنم، دانشجوی سال اولی تحصیلات تکمیلی را می‌بینم که پس از اتمام تحصیل کارشناسی خود در رشته اقتصاد در دانشگاه بوسفوروس ترکیه، وارد خوابگاه دانشگاه برکلی شده است. [این دانشجو] به پیر سرافا، جریان‌های نئوکینزی، آلتوسر و مارکسیست‌های ساختارگرای فرانسوی علاقمند بود. اما در دانشگاه برکلی، روش مردم‌نگاری را «کشف کرد» و به «مطالعات موردی عمیق» برای پی بردن به مکانیسم پویای تغییر اجتماعی علاقمند شد. استاد راهنمایش، مایکل بورووی، او را قانع کرد که روش‌شناسی تطبیقی، بسط چارچوب نظری لازم برای فهم و طرح پرسش درباره «استقلال» دولت در اقتصاد سرمایه‌داری وابسته‌ای چون ترکیه را تسهیل می‌کند. بنابراین، بعد از بررسی روش‌شناختی تحلیلی، تر خود را درباره مقایسه برنامه‌ریزی اقتصادی ترکیه و فرانسه پس از جنگ جهانی دوم انتخاب کرد تا تفاوت‌های ساختاری در مسئله استقلال دولت و روابط طبقاتی در کشورهای «مرکزی» و «پیرامونی» را بررسی کند.

در این لحظه، وسوسه شده‌ام ادعای «بی‌گناهی» کنم و بگویم علاقه من به شراب فرانسوی نتیجه ناخواسته انتخاب فرانسه

به‌عنوان بهترین نمونه اقتصاد دولتی برای بررسی بود. اما، نه، چنین نبود. من قبل از انتخاب این موضوع و پیش از انتخاب فرانسه، با پرداخت ده دلار برای یک بطری شراب بورگاندی فرانسوی ۱۹۸۲، در دانشگاه برکلی اغوا شده بودم. آنقدر پول نداشتم که برای اتاقم در خوابگاه یک رادیو بخرم، ولی شراب خوب، می‌خوردم. نوشیدن شراب بورگاندی خوب، برای من تجربه‌ای ژرف و اغواکننده بود. شراب قرمز بورگاندی رایحه‌ای ترکیبی دارد، حس چشایی را درگیر می‌کند و فریبنده و با ته‌مه‌ای تند، به کام انسان می‌نشیند. شراب بورگاندی آنقدر پیچیده و هوس‌انگیز است که تمامی آنچه در فرهنگ بورژوازموکراتیک غربی برایم عزیز است را در نظرم مجسم می‌کند. و تمدن غربی را که در برابر پیوریتانیسم فرهنگی خسته‌کننده دوران ریگان در آمریکا و حکومت نظامی ژنرال کنان اوزن در ترکیه به رقابت واداشته شده بود، پالایش می‌کند.

خانمی که قرار بود برای اعطای بورس فول‌برایت برای پایان‌نامه با من مصاحبه کند، پرسید: «چرا فرانسه و ترکیه را با هم مقایسه می‌کنید؟» هنوز چهره تعجب‌زده او را بعد از شنیدن پاسخم به یاد دارم: «شراب و غذا». او لابد حرف مرا پذیرفته بود که بورس به من تعلق گرفت. در پاسخی که داده بودم راستگو بودم. مالکوم گلدول در اثر معروفش، طردشدگان: داستان موفقیت، قاعده‌ای تقریباً به‌دلخواه اما پذیرفتنی، را صورت‌بندی کرده است: قاعده ۱۰۰۰۰ ساعت. بسیاری مردم، با استعدادهای ذاتی، خلق می‌شوند ولی برای به فعلیت رساندن آن‌ها، باید به کار معتاد بود و ۱۰،۰۰۰ ساعت به کاری که انتخاب کرده‌ایم بپردازیم تا بتوانیم از دیگران پیشی بگیریم. خب، در مورد قانون ۱۰،۰۰۰ بطری شراب چطور؟ مطمئنم در حفاصل سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ و در دوران تحصیل، با رفتن به کلوپ‌های مختلف و شرکت در گروه‌های تست‌کننده شراب، به این [تعداد بطری شراب] نزدیک شدم.

سال‌های بعد به سرعت برق سپری شدند. به‌عنوان متخصص اقتصادسیاسی در بانک جهانی مشغول کار بودم؛ ولی وقتی رساله دکتری‌ام در ۱۹۹۰ برنده «جایزه بهترین پایان‌نامه» از انجمن جامعه‌شناسی آمریکا شد، دوباره تحریک شدم به زندگی دانشگاهی برگردم. در دانشگاه براون و جورجیا تک تدریس کردم و از دانشگاه استنفورد در

رشته حقوق مدرک گرفتم و به مقام وکالت قضایی رسیدم. حتی یک سال تحصیلی را در موسسه مطالعات پیشرفته گذراندم و افتخار ارتباط نزدیک با یکی از بزرگترین اندیشمندان قرن بیستم، آلبرت هیرشمن، را پیدا کردم. همچنین، مدتی را در سلیکون ولی گذراندم.

با این حال، مخصوصاً بعد از تجربه سلیکون ولی، دیگر هیچ‌گاه دانشگاهیان ترغیبم نکردند. مشارکت‌م در پروژه‌های درباره «چگونگی افزایش کارایی در استفاده از مشاوران خارجی در گروه حمل‌ونقل دانشگاه جورجیا»، تیر آخر را زد. تمایلی به تکنوکرات‌شدن نداشتم. علاقمندی‌های مشترک با همکارانم نداشتم. باید به دنبال جایگزین می‌گشتم.

یکی از دوستان سال‌های فعالیت‌م در بانک جهانی در واشنگتن‌دی‌سی، سردبیر روزنامه خوشنام میلی پت ترکیه شده بود. او به دنبال کسی بود که اطلاعات خوبی در زمینه شراب و غذا داشته و به صداقت هم شهره باشد. او از من خواست اگر می‌توانم هر دوهفته یک‌بار، یک ستون روزنامه‌اش بنویسم. از آن موقع پیوسته برای این نشریه می‌نویسم.

آیا توضیح نظری‌ای برای محبوبیت من وجود دارد؟ گمان می‌کنم بله. عواملی که سبب شهرت و محبوبیت من شدند شبیه عواملی هستند که سبب به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (AKP) در سال ۲۰۰۲ بودند. اتحاد سکولار متشکل از نخبگان نظامی بروکراتیک و طبقه سرمایه‌دار انحصارطلب، قدرت و نفوذ خود را در عرصه سیاست و اقتصاد از دست داده بود. حزب عدالت و توسعه به کمک همین وضعیت فساد سیاسی و بحران اقتصادی و با ارائه مدلی از پوپولیسم اسلامی که وعده شفافیت و عدالت داشت، توانست به قدرت دست یابد. این حزب از شکاف در بدنه قدرت حاکم و حمایت بخش‌هایی از طبقه سرمایه‌دار جامعه برای رسیدن به قدرت، بهره می‌برد. علاوه بر این، حزب عدالت و توسعه، بخش‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده ثروتمندان آناتولی، تجار شهری، ساختمان‌سازها، اعضای تحصیل‌کرده انجمن جوانان محافظه‌کار و توده‌های عظیم جوامع فقیر شهری را در حمایت از خود بسیج کرد.

در تعجبم از این که چقدر برنامه من در بخش آسیایی ترکیه و در میان طبقه فقیر شهری مشهور است. یقیناً طبقه تحصیل‌کرده‌ای که توان مالی بیرون از خانه غذاخوردن را دارد جزو

طرفداران من هستند؛ اما چگونه می‌توان این محبوبیت میان توده‌های حاشیه‌نشین شهری و به‌خصوص جوانان را توضیح داد؟ اینکه من «خارج از مجموعه» بودم قطعاً به محبوبیت کم‌کردن است. من جزو شبکه‌های قدیمی صنعت مواد غذایی و نوشیدنی نبودم و از اتحاد صمیمی و نزدیک با رستوران‌دارها و صنایع مواد غذایی پرهیز می‌کردم.

اما معتقدم عامل مهم دیگری هم وجود دارد که توضیح‌دهنده محبوبیت من خصوصاً در میان جوانان است. مؤلفه‌های سخت‌گیرانه و پاک‌دینانه دیانت اسلامی از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در جامعه ترکیه برجسته شده است. وقتی این سخت‌گیری علیه

لذت جسمانی به سرکوب مخالفان سیاسی ضمیمه می‌شود جوانان به سوی درون خود سوق پیدا می‌کنند و به دنیای غنی تخیلات خود پناه می‌برند. تحمل نکردن اعتراض‌های دسته‌جمعی و سانسور شدید رسانه‌های گروهی، رعب و وحشت ایجاد می‌کند اما به تخیل دامن می‌زند. جوانان، سیاست را «آلوده» و اقتصاد را «ناپاک» می‌دانند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که در چنین فضایی باید برای رسیدن به «موفقیت» صداقت را قربانی کرد. فرد ظاهراً بی‌دغدغه در سن پدران‌شان که رابطه خوبی با غذا و شراب دارد، رفیق و همزاد خوبی است. برخلاف پس‌زمینه ناامیدکننده و آرمان‌های کوتاه‌مدت، ماجراجویی مدامی در جستجوی «مزه» داشته باشیم، جذاب‌ترین

چیزی است که زندگی در این شرایط می‌تواند در اختیار ما قرار دهد.

شاید من «جایر بورگان» [شراب‌ساز] این جوانان هستم که به آن‌ها کمک می‌کنم انرژی‌های روانی خود را دوجندان کنند و به آن‌ها امکان می‌دهم هوس‌های جسمانی سرکوب‌شده در جامعه فرهنگ خشن و شرایط اقتصادی دشوار را آزاد کنند. این «ایدئالیسم پیچیده» جوانان حاشیه‌نشین طبقات اقتصادی، آن روی سکه «فرهنگ ستاره‌سازی» و وضعیت ستاره به‌مثابه یک «اسطوره» است. جز تکرار حرف مارکس، کار دیگری نمی‌توان کرد: «مرگ فرهنگ ستاره‌سازی، در رهایی ستاره‌هاست.» ■

# < خشونت زمردهای سبز

جان پارا، دانشگاه ایسزی، کالی، کلمبیا

هیچ کشوری، بیش از کلمبیا، زمردهای سبز ندارد. خانواده‌های متخصص، معدن کاری را به یک تجارت خشونت‌آمیز تبدیل کرده‌اند که در خطرناک‌ترین شرایط، ادامه دارد. در این عکس، مردی است که غنائم خود را می‌شمارد. عکس از جین سوکور.



وضوح توضیح داده است، از نسلی به نسل بعد انتقال یافته و این روند، تا به امروز ادامه دارد.

خشونت‌شناسی که حوزه مطالعاتی خود را به تمام انواع خشونت در زمان و مکان بسط داده است، برای علوم اجتماعی در کلمبیا و درک تاریخچه و جامعه کلمبیا، به موردی مرکزی تبدیل شده است. در واقع، هنوز کارهای بسیاری باید انجام شود: باید آثار تاریخ‌نگارانه و قوم‌نگارانه تولید کنیم که درک خشونت در حیات روزمره را امکان‌پذیر خواهد کرد. اثر خود را به قصد کمک به این وظیفه نگاشتم.

نه تنها رویارویی‌های نظامی که در دوران خشونت به وجود آمدند کشور را در خون و آتش غلتانده‌اند، بلکه وحشی‌گری بی‌پایان نیز خشونت را به بخشی از زندگی روزمره تبدیل کرده است. در پایان دوران خشونت،

وجود داشت، به عالم واقع رساند. لیکن دلیل اساسی ازهم‌گسیختگی «جثه اجتماعی»، بی‌وحدتی نمادین دولت‌ملت است.

نیروهای سیاسی، نظامی و مذهبی متعددی توده‌ها را برانگیختند تا ارتش را به دست گیرند و با هم‌اوردهای چریکی خود تا مرگ، در نبردی درگیر شوند. احزاب آزادی‌خواه و محافظه‌کار، احزاب سنتی تاریخی کلمبیا هستند، و از زمانی به ارث مانده‌اند که نیروهای استقلال (۱۸۱۰ تا ۱۸۳۰) ملت را ایجاد کردند. خشونت از زمان استقلال تا به امروز، در حیات روزمره دولت‌ملت وجود دارد. تنها در فاصله ۱۸۶۳ تا ۱۸۸۶، نه جنگ داخلی بزرگ رخ داد که درگیری‌های جناحی و ریشه‌های خشونت در سده بیستم را بنیان گذاشت و همان‌گونه که دانیل پیکه در کتاب نظم و خشونت به

خشونت جناحی که در کلمبیا رخ می‌دهد به موضوعی برای تحلیل جامعه‌شناختی تبدیل شده است، به‌خصوص از طریق رشته‌ای که موسوم به خشونت‌شناسی است. این شاخه کلمبیایی جامعه‌شناسی، بدو، متعهد به مطالعه دوره‌ای از تاریخ کلمبیا به نام دوران خشونت (۱۹۴۵ تا ۱۹۶۵) بود، بنیان این دوره در کتاب پایه‌ای دوران خشونت در کلمبیا، مطالعاتی در باب فرایند اجتماعی (۱۹۶۲) اثر بیشاپ ژرمن گوزمن کامپو، اورلاندو فالس بوردا و ادواردو یومانا مشخص شده است. این اثر، روی مفهوم «فقر ساختاری» بنا شده که شامل بسط جامعه‌شناختی آشوبی است که موجب خشونت داخلی شده است. یک رخداد خاص، ترور جرج الیزر گایتان، دیکتاتور نظامی حزب آزادی‌خواه در ۹ آوریل ۱۹۴۸، خشونت پیوسته‌ای را که در بینش اجتماعی و سیاسی

طی جنگ سرد در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، گروه‌های گوناگون، ارتش را به دست گرفتند تا جنبش‌های چریکی مارکسیست را بنیان نهند. یکی از این گروه‌ها، FARC (ارتش انقلابی کلمبیا) است که از جناح‌های مسلح حزب آزادی خواه برخاسته و تا به امروز فعال است. یکی دیگر از احزاب، نیروهای شبه‌نظامی هستند که از واکنش نظامیان حزب محافظه کار و طرفداران خصوصی‌سازی نیروهای امنیتی و نظامی روئیده‌اند که توسط قاچاقچیان مواد مخدر ایجاد شده است. کشمکش‌های مسلحانه بی‌پایان و ماهیت بسیاری از اقدامات و درگیری‌های نظامی، گسترش ترور و وحشی‌گری با برنامه، همگی، خیل عظیمی از آواره‌ها را ایجاد کرده‌اند. خشونت آنقدر در زندگی روزمره ریشه دوانده است که به روابط صمیمانه هجوم برده و سبب تقسیم‌بندی‌های آشتی‌ناپذیر، بین و حتی درون خانواده‌ها شده، و موجب سکوت‌های دردناکی شده که از نسلی به نسل بعد انتقال یافته‌اند.

اجازه دهید به پژوهش‌م درباره منطقه زمردهای سبز بازگردیم. این منطقه در مرزی دورافتاده در رشته‌کوه‌های شرقی آند است که حدود ۸۰۰۰ نفر ساکن دارد و در فاصله ۴۰ کیلومتر از چیکوینکویرا، مرکز منطقه بویاکا واقع

است. فقط ظرف مدت ده سال، این منطقه شاهد گذار از اقتصاد دهقانی به اقتصاد معدن‌محور بوده است. این منطقه ثروتی نامتناهی برای معدود ساکنانی ایجاد کرده است که در جستجوی زمردهای ارزشمند، در معادن حفاری می‌کنند. تحول از اقتصاد محلی، باعث گسستگی گروه‌بندی‌های خانواده دهقانی شده و اتحادهای خویشاوندی نوینی را به وجود آورده است. این پیوستگی‌های جدید میان اکثر خانواده‌هایی که در تجارت زمره فعالیت می‌کنند، نیازمند همکاری کارفرمایان و گاردهای امنیتی در اکثر خانواده‌هایی است که کسب و کار یکسانی دارند. همانطور که آنتون بلاک در کتاب مافیای دهکده سیسیل؛ مطالعه‌ای در باب کارفرمایان روستایی بی‌رحم (۱۸۶۰ تا ۱۹۶۰) توضیح داده، این موضوع باعث مستحکم شدن خانواده‌های مافیا در یک سنت دهقانی شده است که در آن، ارزش‌های خانوادگی، شرافت، خون، و وفاداری برای مدیریت اقتصاد، اساسی هستند.

به این دلیل که دولت کلمبیا در اداره و محافظت از معادن در برابر ساکنین بی‌رحمی که در جستجوی زمره هستند، با شکست مواجه شد، در دهه ۱۹۷۰، معادن را، رؤسا و بزرگان، یا به زبان محلی، خوانین تسخیر

کردند. در دوره بین ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۱، دو «جنگ زمره» به وقوع پیوست که در آنها، رؤسا برای تسلط بر بهره‌برداری‌های معدنی، مبارزه می‌کردند. در نتیجه، حداقل ۵۰۰۰ نفر از ساکنین، بدرود حیات گفتند. در ۱۹۹۱، جنگ با امضای معاهده صلحی خاتمه یافت که مورد توافق خوانین زنده‌مانده، بود. با این حال، درگیری‌های بین تاجران زمره از بین نرفت و ما مجبوریم به این موضوع، ظهور قاچاقچیان مواد مخدر و شبه‌نظامیان را بیفزاییم. عناصر جدیدی که در این منطقه پدید آمدند، تسلط بر خانواده‌ها در زمینه اقتصادهای غیر قانونی و ارتش‌های خصوصی را موجب شدند که فرهنگ درون‌زای خشونت را تشدید کردند.

می‌توان خصائل مشابهی را در دیگر مناطق کلمبیا یافت. خشونت، به اکثر محدوده‌های خصوصی مانند روابط خانوادگی و تربیت فرزند، وارد شده است که همگی آنها در نتیجه انفجار اقتصادی و نظارت‌نکردن دولت پدید آمدند. این امر از لحاظ اخلاقی و سیاسی دلسردکننده است، اما نیاز به حوزه علوم اجتماعی برای درک و انتشار الگوهای تضاد نیز ضرورتی جدید را مطرح می‌کند که مبانی لازم برای مداخله دولت را مشخص کنند. ■



# < استرداد زمین در کلمبیا

نادیا مارگاریتا رودریگز، دانشگاه روزاریو، بوگوتا، کلمبیا



بیش از ۴ میلیون دهقان کلمبیایی، مانند این پیرمرد، در ۱۵ سال گذشته، مجبور به ترک زمین‌هایشان شده‌اند. عکس از ژولین وسکوز.

سال اخیر کلمبیا را تحت تأثیر قرار داده است. مفاد این فصل بحث‌برانگیز است؛ چراکه دولت قویاً از آن حمایت می‌کند و می‌توان آن را به نوعی تلاش دولت برای جبران غفلت ۵۰ ساله از این موضوع دانست. با وجود تمام تلاش‌هایی که برای اجرای این قانون شده، موانع بسیاری بر سر راه آن وجود دارد.

موضوع استرداد زمین در کلمبیا را می‌بایست در پرتو تمرکز شدید مالکیت زمین که یکی از مشکلات عمده بر سر راه توسعه روستایی است، بررسی کرد. برخی کارشناسان استدلال می‌کنند که مسئله تمرکز شدید مالکیت

مناقشه بر سر استرداد زمین در کلمبیا با تصویب قانون ۱۴۸۸، موسوم به قانون قربانیان، در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۱ آغاز شد. با توجه به ایجاد مشکلات بزرگ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نتیجه استرداد زمین و همچنین با توجه به اینکه دولت به صراحت بر وجود منازعه مسلحانه صحنه گذاشت، این رویداد یک مرحله مهم در تاریخ کلمبیا تلقی می‌شود. فصل سوم قانون ۱۴۸۸ به مبحث استرداد زمین به دهقانانی می‌پردازد که در طول دو دهه گذشته در اثر منازعه مسلحانه زمین‌های خود را از دست داده‌اند. این منازعه در طول ۵۰

زمین نه تنها باعث ایجاد نابرابری‌های عمیق سیاسی و اجتماعی شده، بلکه یکی از علل مهم منازعه خونین در کلمبیا نیز بوده است (Fajardo, ۲۰۰۲, Machado, ۲۰۰۹, PNUD ۲۰۱۱). تمرکز زمین موجب ایجاد یک ساختار دو وجهی ارضی شده که در آن بیشتر زمین‌های حاصل‌خیز، به یک گروه کوچک از نخبگان اقتصادی و سیاسی تعلق دارد.<sup>۱</sup> این ساختار از دوران استعمار حاکم بوده و در طول زمان نیز بدتر شده است. بعد از کوشش‌های نافرجام به منظور انجام اصلاحات ارضی در قرن بیستم، به‌مخصوص در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۱ (Molina, ۲۰۰۰: ۳۶)، گروه‌های مسلحانه‌ای در دهه ۱۹۶۰ پا گرفتند که خواهان بازتوزیع اراضی بودند. بنابراین بخش‌هایی بزرگی از مناطق روستایی کلمبیا در یک بحران شبه‌دائمی به سر می‌برند و بازیگران قانونی و غیر قانونی بر سر کنترل زمین، جنگی بر پا کرده‌اند که منجر به آوارگی نظام‌مند، خشن و عظیم ۴ میلیون نفر از دهقانان شده است. پس چالش پیش روی نهادهای مسئول استرداد زمین، بسیار بزرگ است.

وضعیت موجود به دلیل محدودیت‌های قانونی و به خاطر بستر اجتماعی‌ای که استرداد زمین در آن انجام می‌شود، پیچیده است. مرکز مطالعات توسعه‌ای دانشگاه روزاریو به منظور درک مشکلات اجرای این قانون یک رویکرد بین‌رشته‌ای (ترکیبی از حقوق و علوم اجتماعی) اتخاذ کرده است. بخشی از این پروژه به پژوهش درباره واحد استرداد قانونی<sup>۲</sup> می‌پردازد؛ این پژوهش حول پنج مسئله پیچیده زیر است:

نخست، منازعه مسلحانه، در مناطقی به وقوع می‌پیوندد که مشمول قانون استرداد زمین می‌شوند و این امر موجب می‌شود که دولت نتواند به دهقانان تضمین بدهد که دوباره زمین‌هایشان را از دست ندهند. چالش پیش روی دولت کلمبیا، این است که با پایان دادن به منازعه مسلحانه، امنیت دهقانان را تأمین کند.

دوم، بر اساس قانون، استرداد به معنای الغای

القاب یا غرامت‌ها است. این تعریف از استرداد جایی برای جبران خسارت‌های وارده بر زمین یا افراد در نظر نمی‌گیرد و وضع سابق را اعاده نمی‌کند. در نتیجه، این سیاست به پس‌دادن حق مالکیت زمین محدود نمی‌شود؛ بلکه باید زندگی همراه با کرامت در این زمین‌ها را برای قربانیان امکان‌پذیر کند. به علاوه، سلب مالکیت با موارد متعدد نقض حقوق بشر همراه بوده و بر قربانیان آسیب‌های جدی وارد آورده و بنابراین بازگشت آن‌ها به زمین‌هایشان را دشوارتر ساخته است. خلاصه، قربانیان نیازمند حمایت‌هایی و راه محدود قانونی هستند.

سوم، با توجه به نابرابری‌های شدید توسعه‌ای، آموزشی و بهداشتی میان شهر و روستا، احتمالاً دهقانانی که از آن‌ها سلب مالکیت شده و اکنون در مناطق شهری زندگی می‌کنند، تمایلی به بازگشت به مناطق روستایی ندارند. سلب مالکیت ارضی موجب از هم پاشیدگی تار و پود اجتماعی شده و بازسازی این اجتماعات برای آن‌ها دشوار خواهد بود.

چهارم، اگر بخواهیم که مالکان زمین به جای اینکه اراضی خود را اجاره بدهند یا به کسانی که اکنون بر آنها مسلط هستند (بیشتر شرکت‌های کشت و صنعت) بفروشند، روی آن‌ها کار کنند، باید از آن‌ها حمایت‌های اقتصادی، فنی و تولیدی کرد.

پنجم، مشکلات قانونی و نهادی متعددی نیز هست که باید آن‌ها را از پیش رو برداشت؛ مشکلاتی نظیر آموزش مأموران دولتی برای اجرای قانون استرداد زمین و تربیت قضات متخصص در امور اراضی (کلمبیا چنین قاضی‌هایی ندارد). دولت باید نشان بدهد که این زمین‌ها را قطعاً پس خواهد گرفت. این مسئله، موجب طرح پرسش‌های مهمی می‌شود: دولت چگونه زمین‌های مشمول قانون استرداد را از مالکان فعلی می‌گیرد، در حالی که فعلاً بیشتر این زمین‌ها جزء زمین‌های دیگری هستند که قانون خریداران آن‌ها را معاف کرده است؟

در نهایت، یک مشکل سیاسی ساختاری گسترده‌تر نیز پیش رو است: تضاد میان

نخبگان ملی و منطقه‌ای بر سر کنترل اراضی شامل تضاد منافع اقتصادی حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی موجود در این اراضی نیز می‌شود. موارد نمادین استرداد زمین همچون کوربارادو، جیگوامیندو یا هاسیندا لاس پاولس گویای این است که حتی اگر مشکلات قانونی هم برطرف شوند، وضعیت توزیع قدرت در سطح محلی مانعی بر سر راه اجرای قانون استرداد زمین است. ■

۱. ضریب جینی ارضی گویای میزان تمرکز املاک زراعی است. هرچه که این ضریب به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد، میزان تمرکز بیشتر است. ضریب جینی کلمبیا، برابر با ۰.۸۷، یکی از بالاترین ضرایب جینی در جهان است.

۲. این همان نهادی است که به موجب قانون برای اجرای استرداد زمین ایجاد شد. پیش از این نهادی تحت عنوان برنامه حفاظت از اراضی و مردم محروم‌شده (PPTP) وجود داشت که اهداف و فعالیت‌های متفاوتی داشت و از حمایت سیاسی یا قانونی‌ای که واحد امروزی از آن برخوردار است بهره‌مند نبود.

#### مراجع

Para sembrar (۲۰۰۲). Fajardo, D la paz hay que aflojar la tierra. Bogotá: Universidad Nacional de Colombia.

La reforma (۲۰۰۹). Machado, A rural, una deuda social y política. Bogotá: Universidad Nacional de Colombia, CID.

Reforma" (۲۰۰۰). Molina, P agraria? No es tan claro para qué el país la necesita." Economía Colombiana ۲۷۸: ۳۴-۷.

Colombia Rural: (۲۰۱۱) PNUD Razones para la esperanza. Informe de desarrollo humano Bogotá: INDH PNUD. ۲۰۱۱.



# < جنبش دانشجویی در شیلی

میلتون ال. ویدال، دانشگاه اومانیسیم مسیحی، سانتیکو، شیلی



| جنبش دانشجویی شیلی در مخالفت با نتولیرالیسم: «آینده ما فروختنی نیست»

در واقع، وعده تحصیل دانشگاهی برای همگان به بدترین وضعیت ممکن دچار شده بود: افزایش ثبت نام در دانشگاه‌ها تنها در صورتی ممکن بود که دانشجویان و خانواده‌هایشان ناچار به قرض گرفتن شوند. هزینه تحصیل دانشگاهی در شیلی از بالاترین‌ها در جهان است و اغلب دانشگاه‌ها، شهریه خود را به صورت قسطی دریافت می‌کنند. به بیان جامعه‌شناسانه، در کشوری با توزیع شدیداً نابرابر<sup>۱</sup> درآمدها، مهم است که تحصیلات دانشگاهی را به عنوان خیر عمومی و عاملی بسیار مؤثر در تحرک اجتماعی در نظر بگیریم.

بهره این سرمایه‌گذاری‌های خانوادگی برای آموزش عالی، از بیشترین بهره‌ها در آمریکای لاتین است و شهریه دانشگاه‌ها روز به روز در حال افزایش است. قدرت خرید

بنیادیشان پاسداری کنند و از حکومت‌هایشان بخواهند که به وعده‌هایشان عمل کرده و در تصمیم‌گیری‌ها خیر عمومی را لحاظ کنند. این مطلب یقیناً درباره شیلی هم صادق است. در این میان بسیاری از ناراضی‌های متعددی که سبب شده مردم آمریکای لاتین به خیابان‌ها بیایند، خیلی آشکارتر از حقوق مدنی دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانی‌اند. نباید فراموش کرد که این کشور جنوبی، مبدأ و الهام‌بخش سیاست‌های نتولیرالی بود که دولت‌های آمریکای لاتین، خصوصاً در حوزه آموزش دانشگاهی، از میانه دهه ۷۰ اجرا شد.

اما چرا این اعتراض‌ها از شیلی آغاز شد؟ چرا این اعتراضات را [افراد] بسیاری در کشور ما به رسمیت شناختند؟ به بیان خیلی ساده باید گفت امید نتولیرالی به شکست انجامیده بود.

شیلی کشوری کوچک در جنوب است. اگر به نقشه جهان نگاه کنید ما را در بالاترین نقطه آمریکای جنوبی خواهید یافت. این منطقه گه‌گاه سرخط اخبار بین‌المللی می‌شود. در سال ۲۰۱۱، جنبشی که استادان دانشگاه و دانشجویان رهبری می‌کردند، به مسئله‌ای مهم در صحنه بین‌المللی که پیش از این و در این سال پر از اعتراض‌های مدنی بود، تبدیل شد.

ما در نابرابرترین منطقه جهان قرار داریم. یک‌سوم از جمعیت این منطقه، در فقر زندگی می‌کنند و از صور قدیمی و تازه خشونت، بدرفتاری و سوءاستفاده، فساد و ائتلاف منابع کمیاب رنج می‌برند. در این شرایط، زنان و مردان به طرق مختلف دور هم جمع می‌شوند تا برای رویاهایشان مبارزه کنند، از حقوق

خانواده‌هاست که می‌تواند محدودیت‌هایی برای این افزایش ایجاد کند. روی هم رفته، خانواده‌های ثروتمند هزینه بیشتری را صرف تحصیل در مدارج پایین‌تر (ابتدایی و دبیرستان) می‌کنند و از آنجا که پذیرش در دانشگاه هم مبتنی بر نمرهٔ آزمون و توانایی مالی خانواده‌ها صورت می‌گیرد، در سال‌های بعد، فرزندان این خانواده‌ها از تحصیل در بهترین دانشگاه‌ها هم بهره‌مند می‌شوند. این در حالی است که فرزندان خانواده‌های با توان مالی پایین‌تر و تحصیلات پایه‌ای متوسط، برای تحصیل در دانشگاه‌های معمولی، ناچار به از خودگذشتگی و پرداخت هزینه‌های بالا هستند. به همین دلیل، حرکت اعتراضی برای دستیابی به تحصیل و آموزش بهتر، تلاشی علیه نابرابری‌های مدنی به شمار می‌رود.

نکتهٔ عجیب دربارهٔ این حرکت اعتراضی این بود که هفته به هفته توان و قدرت این جنبش که توسط دانشجویان رهبری می‌شد در حال افزایش بود. محتوای خواست‌ها، نیروی مدنی که بسیج شده بود و اتحاد بین‌المللی‌ای که ایجاد شده بود به مرزهای شیلی محدود نمی‌شد. برعکس، جنبش‌های دانشجویی در دفاع از آموزش عمومی در کشورهای اروگوئه، بولیوی، برزیل، پورتوریکو، اکوادور و کلمبیا هم به موفقیت‌هایی دست یافته بودند. با این وجود، در یک بررسی و بازاندیشی بین‌المللی دربارهٔ این جنبش‌ها، خوب است به ویژگی‌ها و خصایص جنبش اعتراضی دانشجویی شیلی توجه شود.

نخست اینکه، دانشگاه‌ها هنوز نقش نوعی فشارسنج حیات مدنی را بر عهده دارند. پافشاری بر این پیوستار تاریخی ممکن است ساده و ابتدایی به نظر برسد، ولی اغلب به فراموشی سپرده می‌شود. سیاستمدارانی که باید به اصلاحات عمیق و اساسی در نظام آموزش عالی دست بزنند، این کار را به تأخیر می‌اندازند. این تأخیر، ناشی از آن است که آنها گمان می‌کنند تحصیلات بالاتر، مسئله‌ای حاشیه‌ای است؛ این در حالی است که مدیریت اقتصادی هم گمان می‌کند، کمبودهای مالی حوزهٔ آموزش عالی را می‌توان با تزریق منابعی از بخش عمومی، بانک و خانواده‌ها یا همهٔ این منابع به‌طور یک جا، برطرف کرد. اما این تفکر شدیداً غلط است. دانشگاه‌ها، همواره، جایگاهی بیش از یک واحد سیاسی داشته‌اند. همهٔ تغییرات اجتماعی اساسی، به‌نحوی، نسبتی با دانشگاه‌ها دارند. مثلاً تبعیدی یهودی از امپراطوری ایرانی بخت النصر، گفتگوهای سیاسی افلاطون در آکادمی، مجادله‌های پیش

از نهضت اصلاح پروتستانی لوتر و ترجمهٔ انجیل به آلمانی، کالونیسیم در دانشگاه ژنو، ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی، چین پیش از جمهوری خلق، انقلاب فرهنگی یا میدان تیان‌آن‌من، مکزیکی پیش و پس از قتل عام دانشجویان در تلاتلکو را در نظر بگیرید، در همهٔ این‌ها، دانشگاه‌ها نهادهای تأثیرگذار جهانی و دارای اهمیت سیاسی و اجتماعی بسیار بالا بوده و هستند. بنابراین، آن‌ها همیشه موضوع اصلی توجه جامعه‌شناسانه بوده‌اند.

دوم اینکه، آموزش و تحصیل در هر سطحی و به‌طور خاص در سطح آموزش عالی، نمی‌تواند در فشار میان دو قطب دولت و بازار قرار داشته باشد. هامبولت حق داشت که مدت‌ها قبل، معتقد بود دخالت دولت، در امر آموزش اخلال ایجاد می‌کند. شهروندان آمریکای لاتین، همگی می‌دانند که دولت در این، منطقه قدرتی است که همیشه به‌صورت بروکراسی اداری بروز می‌کند. جامعه‌شناسان آموزش و پرورش به‌خوبی می‌دانند که سنگین‌ترین بار بر دوش اصلاحات در سیستم آموزشی، از میان برداشتن این بروکراسی است. با این وجود، خود هامبولت هم معتقد بود که ما بدون همراهی دولت نمی‌توانیم کاملاً از پس انجام این کار برآییم. ما باید از دولت بخواهیم شرایط نهادی لازم برای آموزش را فراهم آورد. علاوه‌براین، برای جلوگیری از تبدیل شدن دانشگاه به عرصهٔ نزاع علائق افراد مختلف، به حمایت دولت نیازمندیم. بدین معنا، آموزش و پرورش، خیر عمومی است و دانشگاه‌ها حتی اگر با منابع مالی خصوصی هم اداره شوند، جزء نهادهای عمومی به شمار می‌آیند. توانایی دانشگاه‌ها برای ارائهٔ مدرک به دانشجویان، به اطمینان جامعه به آن‌ها بستگی دارد.

سوم اینکه، جنبش دانشجویی در شیلی و به‌طور کلی، در آمریکای لاتین، با کالایی شدن آموزش و پرورش مخالف‌اند. منطق اقتصاد بازار، با آموزش علمی سازگار نیست. بیایید برای فهم بهتر این موضوع رابطهٔ استاد و دانشجو را از نزدیک بررسی کنیم. آموزش، همواره نتیجهٔ فعالیت‌های جمعی است. چنین تلاشی، فروختنی نیست و از همین رو، نمی‌توان آن را به کالا تبدیل کرد. دانشجویان، تنها در صورت مشارکت فعال در فعالیت‌های علمی می‌توانند آموزش ببینند. به همین دلیل است که همواره از دانشجویان می‌خواهیم در سمینارها شرکت کنند، گزارش بنویسند، در تیم‌های تحقیقاتی مشارکت کنند و ایده‌های

خود را با دیگر دانشجویان به اشتراک بگذارند. این تلقی، که استادان فروشنده و دانشجویان خریدار هستند، نه تنها گمراه‌کننده است (و باید با دلایلی بیش از انگیزه‌های ایدئولوژیک به چالش کشیده شوند)، بلکه مانعی در راه تأمین هدف آموزش و پرورش به شمار می‌رود. به نظر من بسیار خطرناک است که استادان دانشگاه این ایده را بپذیرند که دانشجویان مشتریان آنها هستند. دانشجویان نیازمند آزادی آکادمیک‌اند و این آزادی، جز با آزادی استادانشان ممکن نخواهد بود. اما این آزادی آکادمیک را، اقتصاد بازار از بین می‌برد. اگر استادان دانشگاه به‌عنوان ارائه‌دهندهٔ خدمات، یعنی به‌عنوان کارمندان صاحبان دانشگاه به حساب بیایند، آن‌ها نیز در عوض از دانشجویان خود برای پیش‌برد منافعشان استفاده خواهند کرد.

در نهایت، باید بگوییم اعتراض دانشجویی خبر خوبی برای جوامع، دانشگاه‌ها و جامعه‌شناسان است. دانشگاه جایی است که جامعه خودش را به موضوعی برای تحقیق تبدیل می‌کند و از این طریق، به بازتأیید خود دست می‌یابد. همیشه در این فرایند خودآگاهی جامعه، منافع و نزاع‌هایی بر سر قدرت وجود داشته که آزادی آکادمیک را تهدید می‌کرده است. با این وجود، این منازعه‌ها نتوانسته‌اند دانشگاه را از بین ببرند. باید به این شیوه به جنبش دانشجویی در شیلی و به‌طور کلی در آمریکای لاتین و سراسر دنیا نگاه کنیم. گمان می‌کنم دوام این جنبش، به نفع یک جامعهٔ دموکراتیک است. جامعه و دانشگاه، قدرتمندانه، از طریق جنبش دانشجویی با هم مرتبط می‌شوند و این ارتباط، زمینه‌ای جذاب برای جامعه‌شناسی به‌وجود می‌آورد. کسانی که می‌گویند جامعه‌شناسی در آمریکای لاتین رو به افول است، در اشتباه‌اند. جامعه‌شناسی در کشورهای جنوب در سلامت‌اند و امیدوارم این خبر، شما خوانندگان صبور را خوشحال کند. ■

۱. شیلی کشوری در حال ظهور در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است. بر اساس این سازمان، ضریب جینی در شیلی، ۰.۵۰ است که نشان‌دهندهٔ بیشترین نابرابری در میان کشورهای این دسته است (Society at a Glance, Social Indicators, OECD, ۲۰۱۱). این نکته، می‌تواند نشان‌دهندهٔ بیش از این باشد: میانگین درآمد ۱۰ درصد پولدارترین شیلیایی، از [اهمیت‌ناشان] در نروژ بیشتر است؛ در حالی که، ۱۰ درصد فقیرترین‌ها، شبیه جمعیت ساحل عاج هستند. اکثریت شیلیایی‌ها (۶۰ درصد) به‌طور میانگین، درآمدی کمتر از آنگولایی‌ها دارند.



# < نشست کمیته اجرایی در بیروت ۱۹ تا ۲۳ مارس ۲۰۱۲

مایکل بوروی، دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، و رئیس انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی



اعضای کمیته اجرایی ISA، جامعه‌شناسی را با غذاهای لذیذ لبنانی می‌آمیزند. عکس از مارکوس اسکالز.

مارگارت آبراهام و کمیته رابط انجمن‌های ملی به ریاست تینا اویس آغاز به کار کرد.

کل اعضای کمیته اجرایی، در دو روز آخر هفته، دور هم جمع شدند. من از سفرهای زیادی که به نقاط مختلف دنیا داشتم و از پیشرفت‌هایی که در طول یک سال گذشته در خصوص برنامه روی خط آی اس ای حاصل شده بود، گزارشی ارائه دادم (سرمقاله را ببینید). یکی از مهم‌ترین کارهای این نشست، تصمیم‌گیری درباره محل برگزاری کنگره جهانی سال ۲۰۱۸

گفتگوی جهانی آمده است). سخنران‌هایی از سراسر جهان عرب در این سمپوزیوم شرکت کرده بودند و رویکردهای مقایسه‌ای با دیگر مناطق جهان داشتند.

این مارتن پنج روزه با برگزاری نشست‌های جداگانه کمیته برنامه‌ریزی کنگره یوکوهاما در سال ۲۰۱۴ به ریاست راکوئل سوسا، کمیته انتشارات به ریاست جنیفر پلات، کمیته امور مالی و عضویت به ریاست رابرت وان کریکن، کمیته هماهنگی‌های پژوهشی به ریاست

اعضای کمیته اجرایی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی به مدت ۵ روز، در دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB) به میزبانی سخاوتمندانه پروفسور سری حنفی و همکارانش در دپارتمان جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و مطالعات رسانه گرد هم آمدند. دو روز این نشست با یک سمپوزیوم بین‌المللی به پشتیبانی دانشگاه آمریکایی بیروت، انجمن جامعه‌شناسی لبنان و بنیاد فریدریش اِبرت استیفتونگ، درباره «شورش‌ها عربی» همزمان بود (گزارش این سمپوزیوم در این شماره



انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی بود. ما در نهایت از میان پنج شهر بوداپست، کپنهاگ، ملبورن، زاراگوزا و تورنتو، دو شهر تورنتو و زاراگوزا را برگزیدیم و پس از بررسی محل برگزاری پیشنهادی این دو شهر، تصمیم نهایی را خواهیم گرفت. ما تصمیم گرفتیم که در شورای بین‌المللی علم (ICSU) تقاضای عضویت کنیم. بر مبنای گزارش کمیته فرعی، به بررسی امکان راه‌اندازی جوایز و پاداش‌های انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی پرداختیم و بر آن شدیم که جزئیات مربوط به راه‌اندازی یک جایزه بین‌المللی در زمینه پژوهش‌های جامعه‌شناختی را پیگیری کنیم. در اینجا به ارائه گزارش‌های معاونان انجمن می‌پردازم.

### < مارگارت آبراهام، معاون کمیته پژوهش

کمیته هماهنگی‌های پژوهشی (RCC) نشست فوق‌العاده پُرباری در بیروت داشت. ما گزارش‌های زیر را بررسی کردیم: وضعیت تجدیدنظر در اساس‌نامه کمیته‌های پژوهشی، کارگروه‌ها و گروه‌های موضوعی؛ فعالیت‌های همه کمیته‌های پژوهشی، گروه‌های موضوعی، کارگروه‌ها در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ و دومین گردهمایی جامعه‌شناسی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی در اوت ۲۰۱۲ در بوینس آیرس.

بخش مهمی از این نشست به بررسی اقدامات مقدماتی برای برگزاری این گردهمایی اختصاص داده شد. ۶۰۱۹ چکیده مقاله از ۷۹۲۸ نویسنده برای ۶۹۳ جلسه به دست ما رسیده که ۵۱ جلسه به زبان اسپانیایی برگزار خواهد شد. ما از سرتاسر دنیا برای شرکت در این گردهمایی درخواست‌هایی داشتیم که ۳۵۲۸ درخواست (۴۵ درصد کل درخواست‌ها)، از منطقه آمریکای لاتین است.

انتظار داریم میزان مشارکت بالا باشد، اما می‌دانیم که به دلیل اوضاع نامساعد اقتصادی، از شمار شرکت‌کنندگان کاسته خواهد شد. من از انتشارات Sage خواسته‌ام که یک فضای مجازی با دسترسی باز در اختیار ما قرار بدهد تا به تبادل و انتشار دانش و پژوهش‌های مرتبط با موضوع گردهمایی، عدالت اجتماعی و دموکراتیک‌سازی، بپردازیم. به‌زودی اطلاعات بیشتری در این زمینه منتشر خواهد شد.

گزارش و بحث‌هایی که درباره بازبینی اساس‌نامه کمیته پژوهش/گروه‌های موضوعی/کارگروه‌ها داشتیم، حاکی از آن است که اساس‌نامه برخی از آنها، هنوز نیازمند بازنگری

است. لازم است که این بازنگری‌ها تا پیش از برگزاری انتخابات بعدی به اتمام برسد. همچنین درباره ضرورت تجدیدنظر در آرایش هیئت مدیره کمیته‌های پژوهشی/گروه‌های موضوعی/کارگروه‌ها، به‌ویژه دوره تصدی مناصب، به بحث و بررسی پرداختیم. اعضای این هیئت‌ها باید برای یافتن اعضای داوطلب جدید برای نامزدی در انتخابات بعدی، مُجدانه قدم بردارند.

کمیته هماهنگی‌های پژوهشی درخواست‌های کمک‌هزینه پژوهشی را بررسی کرد. در مجموع، ۱۶۹۰۰ دلار آمریکا، به هجده کمیته پژوهشی/گروه موضوعی/کارگروه در سال ۲۰۱۱ اختصاص داده شده بود و ۸۶۶۰ یورو نیز، به سیزده کمیته پژوهشی/گروه موضوعی/کارگروه در سال ۲۰۱۲ تخصیص داده شد. جنیفر پلات، معاون کمیته انتشارات، شیوه‌نامه‌های مجلات کمیته پژوهش را گردآوری کرده و در آدرس زیر قرار داده است:

[http://www.isa-sociology.org/about/rc\\_aims.htm](http://www.isa-sociology.org/about/rc_aims.htm)

در نهایت، گزارش اقدامات کمیته پژوهش/کارگروه‌ها/گروه‌های موضوعی در دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ و ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ بحث و بررسی شد. بیشتر این مجموعه‌ها فعال و به سازماندهی کنفرانس‌ها، انتشار خبرنامه‌ها و دیگر اقدامات حرفه‌ای مشغول بودند. به منظور گردآوری مؤثرتر اطلاعات مربوط به فعالیت کمیته پژوهش/کارگروه‌ها/گروه‌های موضوعی، یک فرم جدید طراحی شد.

### < جنیفر پلات، معاون کمیته انتشارات

سوجاتا پَتل، دبیر بخش مطالعات Sage در جامعه‌شناسی بین‌المللی (SSIS) به همراه ناشران Sage توافق کردند کتاب‌هایی در هند منتشر کنند که به پول هندی، به اعضای انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی در هند و خریداران ساکن در کشورهای در حال توسعه فروخته شود. هرچند، کتابچه‌های با جلد گالینگور، همچنان در کتابخانه‌های غرب، با قیمت غربی در دسترس خواهد بود. از این پیشنهاد به گرمی استقبال شد.

همچنین، توافق شد که انجمن‌های ملی بدون پرداخت هزینه معمول دریافت مجوز، به انتشار ترجمه مقالات مجله جامعه‌شناسی معاصر (CS) یا جامعه‌شناسی بین‌المللی بپردازند. مجله جامعه‌شناسی معاصر هر ساله یک

شماره اضافی منتشر می‌کند و به مرور مقالات استخراج شده از Sociopedia می‌پردازد.

قرار بر این شد که سردبیران مجلات و معاون کمیته انتشارات در همه مراسم‌های انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی فعالیتی در زمینه‌های مربوط به بخش انتشارات انجام بدهند؛ مثلاً جلسه «دیدار سردبیران»، کارگاه آموزشی درباره نوشتن مقاله، یا نشست با سردبیران منطقه‌ای. همچنین، سردبیران هر سال کنفرانس‌هایی برگزار می‌کنند تا مجلات انجمن را تبلیغ کنند، به بررسی پیشرفت‌های جدید بپردازند و نویسندگان، ناقدان کتاب و داوران جدیدی را به خدمت بگمارند.

### < راکوئل سوسا، معاون کمیته برنامه‌ریزی

با مسرت به همکاران خود اعلام می‌کنیم که نشست اخیر کمیته برنامه‌ریزی کنگره ۲۰۱۴ یوکوهاما در بیروت، یک موفقیت بزرگ بود. موضوع این کنگره، مواجهه با یک جهان نابرابر: چالش‌های جامعه‌شناسی خواهد بود. پیش از این، فراخوان مقاله و برگزارکننده جلسه داده‌ایم و آخرین مهلت آن ۱۵ ژانویه ۲۰۱۳ است. می‌توانید برای کسب اطلاع بیشتر به تارنمای انجمن به نشانی

<http://www.isa-sociology.org/congress2014>

\_مراجعه کنید. مشتاقانه از پیشنهادهای شما درباره جلسات اختصاصی یا تکمیلی و همچنین جلسات هم‌اندیشی نویسندگان و منتقدان استقبال می‌کنیم. دوست داریم که اعضای انجمن، این رویداد را فرصتی فوق‌العاده برای مشارکت در متعالی‌ترین مناظره بین‌المللی در زمینه موضوعات اجتماعی در زمانه ما تلقی کنند! از آنجا که بسیاری از اعضای انجمن، بیشتر عمر حرفه‌ای خود را وقف کار بر روی مسائل مرتبط به فقر، نابرابری و بی‌عدالتی کرده‌اند، انتظار ما این است که کنگره یوکوهاما کمک مهمی به دانش و عمل اجتماعی بکند.

کمیته برنامه‌ریزی موافقت کرد که ده جلسه شبه‌عمومی، درباره موضوعات زیر برگزار کند: شکل‌های نابرابری ساختاری؛ نابرابری‌ها و ساختارهای قدرت؛ تولید و طرز کار نابرابری؛ آسیب‌های اجتماعی حاصل از نابرابری‌ها؛ مفاهیم عدالت در سنت‌های مختلف تاریخی و فرهنگی؛ عدالت و نظام‌های اجتماعی؛ غلبه بر نابرابری‌ها؛ کنشگران و تجارب آنان؛ عدالت زیست‌محیطی و آینده پایدار؛ جامعه‌شناسی و نابرابری‌ها. شرکت‌کنندگان این جلسات از

میان سنت‌های مختلف و از همه نقاط دنیا خواهند بود. امیدواریم که این جلسات در کنار جلسات کمیته سازماندهی محلی و ریاستی، برای همکاران ما جذابیت داشته باشد و به بازسازی علوم اجتماعی جهانی برای قرن بیست و یکم کمک کند.

### < تینا اویس، معاون کمیته انجمن‌های ملی

ما به بررسی و تصریح معیارهای عضویت عادی جمعی در انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی پرداختیم. بر اساس آیین‌نامه انجمن، عضویت عادی جمعی، بر اساس تصمیم کمیته اجرایی و به توصیه کمیته رابط انجمن‌های ملی و کمیته عضویت و امور مالی پذیرفته می‌شود. اساس‌نامه اعضای عادی جمعی باید مطابق با مواد ۱ و ۲ اساس‌نامه انجمن باشد:

- اعضای عادی جمعی باید در قالب انجمن‌های غیرانتفاعی علمی و نماینده جامعه‌شناسان، صرف‌نظر از مکتب فکری، رویکردهای علمی و نظریات ایدئولوژیک آنها، باشند.

- هدف اعضای عادی جمعی، باید پیشرفت دانش جامعه‌شناختی باشد. ساختار آنها باید پذیرای نظریات جامعه‌شناسان و تلاش برای حمایت و تقویت توسعه آزاد جامعه‌شناسی از طریق فعالیت‌های مختلفی همچون برگزاری کنفرانس‌ها و تأسیس انتشاراتی‌ها باشد.

- متصدیان این ساختارها باید از طریق یک فرایند با قاعده دموکراتیک انتخاب شوند.

فرایند جدید بررسی درخواست‌های عضویت عادی جمعی را تأیید کردیم؛ این درخواست‌ها در فاصله نشست پیشین کمیته اجرایی و نشست فعلی، به دست‌مان رسیده بود. انجمن علوم اجتماعی اسلوونی در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ عضویت جمعی در انجمن را تقاضا کرده بود. این درخواست از طریق یک فرایند اینترنتی بررسی و تصویب شد. درخواست

انجمن جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی اوگاندا هم در این نشست تصویب شد. انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی در حال حاضر، ۶۰ عضو عادی جمعی دارد، البته برخی از آنها حق عضویت نپرداخته‌اند و متأسفانه جایگاه خوبی ندارند.

بر مبنای معیارهای مقرر در نشست سال ۲۰۱۱ کمیته رابط انجمن‌های ملی در مکزیکو، به انجمن‌های جامعه‌شناسی بنگلادش، بلغارستان، موزامبیک و فیلیپین کمک‌هزینه شرکت در کارگاه‌های آموزشی منطقه‌ای اعطا شد. همچنین، به انجمن جامعه‌شناسی بنگلادش و فیلیپین کمک شد تا تارنمای خود را راه‌اندازی کنند.

طرح‌های برگزاری کنفرانس شورای انجمن‌های ملی (CNA) در حال شکل‌گیری است. این کنفرانس در ماه مه ۲۰۱۳، در شهر آنکارای ترکیه برگزار خواهد شد. موضوع کنفرانس نیز، جامعه‌شناسی در دوران طغیان: رویکردهای تطبیقی خواهد بود. این کنفرانس با همکاری دپارتمان جامعه‌شناسی دانشگاه فنی خاورمیانه، انجمن علوم اجتماعی ترکیه و انجمن جامعه‌شناسی ترکیه برگزار خواهد شد.

### < رابرت وان کریکن، معاون کمیته امور مالی و عضویت

گزارش کمیته امور مالی و عضویت از افزایش مداوم تعداد اعضای انجمن به حدود ۵۰۰۰ نفر حکایت می‌کرد. در حال حاضر، هزینه عضویت دائم، ۳۰۰ دلار است و کمیته امور مالی و عضویت پیشنهاد داده که حق عضویت به چندین دسته تقسیم شود: دسته A، ۳۰۰ یورو؛ دسته B، ۲۰۰ یورو و دسته C، ۱۰۰ یورو و این ارقام تنها در کنگره جهانی ۲۰۱۴ یوکوهاما تغییرپذیر است. ما پیشنهاد کردیم که امکان کمک مالی به انجمن از طریق تارنمای آن تسهیل شود و به دنبال راه‌هایی برای جذب کمک مالی بیشتر بگردیم.

خلاصه‌ای از صورت وضعیت مالی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ ارائه کردیم که در دسترس اعضا قرار می‌گیرد و همچنین گزارشی از جزئیات بودجه دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، برای بررسی درخواست بودجه اضافی، ارائه دادیم. در کل می‌توان گفت که وضعیت مالی‌مان خوب است. به دلیل افزایش فعالیت‌های انجمن، هزینه‌های اداری و کارمندی‌مان افزایش یافته، اما درآمدهای حاصل از انعقاد قرارداد جدید در سال ۲۰۱۱ با انتشارات sage، این هزینه‌ها را جبران کرده است. تصمیم گرفتیم که بودجه بیشتری به مجله گفتگوی جهانی، سفرهایی به جامعه‌شناسی و سفرهای سردبیران اختصاص بدهیم.

### < بخش‌های دیگر

کوئچی هاسگاو، رئیس کمیته محلی سازماندهی کنگره جهانی ۲۰۱۴ یوکوهاما، گزارش دلگرم‌کننده‌ای به ما ارائه داد. همچنین گزارش‌های ارسالی نمایندگان‌مان در سازمان ملل (جان فریتز، رادولف ریچتر، روزماری باربرت و هیلد جکوبسن)، موسسه بین‌المللی جامعه‌شناسی حقوق (رامون فلیچا) و شبکه توسعه جهانی (اما پُریو) بررسی کردیم. به گزارش چین چون یی درباره چگونگی پیشرفت لابراتوار دانشجویان دکتری سال ۲۰۱۱ تایوان گوش دادیم. یک نامه جمعی از طرف کمیته اجرایی نوشتیم و از اهمیت پژوهش در زمینه علوم اجتماعی در اتحادیه اروپا دفاع کردیم.

همچنین یادداشتی منتشر کردیم و از پذیرایی گرم و صمیمی میزبان‌مان در این گردهمایی لذت‌بخش و دلچسب در بیروت، به‌ویژه از سری حنفی، عباد کسار، شعیب دیاب در دانشگاه آمریکایی بیروت و همچنین از کارکنان خستگی‌ناپذیر دبیرخانه انجمن به‌خاطر تسهیل این نشست پیچیده و حمایت آنها از گام‌های بلندی که انجمن رو به سوی آینده بر می‌دارد، تشکر کردیم. ■

# < سیاحت در شمال آفریقا

## همزمان با بحث درباره پایان نامه‌تان

تینا اویس، دانشگاه ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی و معاون انجمن‌های ملی در انجمن بین‌المللی  
جامعه‌شناسی، ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴

بشر هستند و دانشمندان، بسیاری از گونه‌های انسان و فسیل دیگر حیوانات را که مربوط به بیش از چهار میلیون سال پیش، تولد بشریت، است، در آنجا کشف کرده‌اند. مهم‌ترین و مشهورترین این فسیل‌ها عبارتند از: «خانم پلس»، یک جمجمه استرالوپیتکی [انسان گونه‌هایی منقرض که در جنوب شرقی آفریقا زیست می‌کردند و قائم و ابزار ساز بودند] ۲.۱ میلیون ساله و «پا کوتاه»، نمونه تقریباً کامل استخوان‌بندی استرالوپیتکی که بیشتر از ۳ میلیون سال دارد. بعد از بازدید، دانشجویان و اعضای دانشکده ابتدا با مینی‌بوس و سپس با قایق به جزیره رفتند.

خود لایبراتور به همراه جلساتی که دانشجویان دکتری و اعضای دانشکده کارهای خود را ارائه می‌کردند، چهار روز طول کشید. این، امکان برگزاری بحث‌های زنده و گفتگویی پرشور را برای افراد از ملیت‌های مختلف فراهم می‌کرد. فعالیت‌هایی شامل ماشین سواری، سفر با قایق دورتادور جزیره در شب‌های گرم تابستان، محیط مناسبی را برای همه فراهم کرد تا بهتر بتوانند با یکدیگر آشنا شوند. از فعالیت‌های دیگر در جزیره، پختن کباب سنتی آفریقای جنوبی، Braai، و کمپ آتش بود. روز شنبه دانشجویان و اعضای دانشکده با تورگردی در مسیر بسئوتو، درعین حال که با ناهار مخصوص «شبین» پذیرایی می‌شدند با تاریخ معاصر جنوب آفریقا هم آشنا می‌شدند. لایبراتور، شنبه شب، با شام خداحافظی، در هتل View که منظره‌ای دیدنی از طبیعت منحصر به فرد Melville koppies در ژوهانسبورگ دارد، به پایان رسید.

در پایان دوست دارم از ریاست دانشکده علوم انسانی، پروفسور روری ریان، که بودجه لازم برای میزبانی محلی لایبراتور را فراهم کردند، تشکر کنم. مطمئنم که شرکت‌کنندگان لایبراتور دکتری خاطره به یادماندنی از اقامتشان در جزیره ژوهانسبورگ خواهند داشت. ■



«روایت‌هایی جذاب از تلفیق زندگی‌نامه و تاریخ»

دهمین لایبراتور دکتری ISA در محیطی مجزا از دانشگاه ژوهانسبورگ آیلند در وال‌دم در نزدیکی وارینینگ در آفریقای جنوبی، از ۸ تا ۱۱ نوامبر سال ۲۰۱۱ برگزار شد. یک گروه متنوع، متشکل از دوازده دانشجوی کشورهای دور از همی مانند چین، ایران، اروپا، ایالات متحده آمریکا، مکزیک و برزیل از بین ۵۰ متقاضی انتخاب شدند. دو دانشجوی اهل آفریقای جنوبی آنها را به هم پیوند دادند. استادانشان نیز به همین ترتیب بسیار متنوع بودند: جین ماری فرنیتز از ایالات متحده، چین چون یو از تایوان، یوشیمیکی ساتو از ژاپن. بن‌مایه لایبراتور دکتری امسال درباره طرد اجتماعی، شهروندی و سرمایه اجتماعی بود.

فعالیت‌ها با «خوشامدگویی به دانشجویانی که به آفریقا برگشته‌اند» از خلال دیدار از غارهای استرکفوتن که دورنمای میراث جهان در خاستگاه



# < سفرهایی از مجرای جامعه‌شناسی

لاله بهبهانیان، دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، ایالات متحده آمریکا

سفرهایی به جامعه‌شناسی یک سری مصاحبه‌های انجام شده با کمیته اجرایی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی است. مصاحبه‌ها که از طریق Skype با اعضای کمیته که در سراسر دنیا مستقر هستند، صورت گرفته است، نگاه اجمالی نادی را به این سفرهای شخصی محققان به جامعه‌شناسی فراهم می‌کند. مصاحبه‌ها بر دو سوال اصلی متمرکز هستند: محققان چطور به سوی جامعه‌شناسی جذب شده‌اند و با چه چالش‌هایی مواجه گشته‌اند. همه مصاحبه‌ها در صفحه اینترنتی ISA در دسترس است:

<http://www.isa-sociology.org/journeys-through-sociology>

مصاحبه‌ها در عین حال که مملو از روایت‌های شخصی شگفت هستند، همگی، بسیاری از تجربه‌هایی را که توسط جامعه‌شناسان در طول مکان و زمان به اشتراک گذاشته شده است، برجسته می‌کنند. به‌صورتی بنیادی‌تر، آنها به احساس کنجکاو عمیقی در مورد جهان اجتماعی اشاره می‌کنند. بدین ترتیب، یوشیمیکی ساتو راجع به این که چطور جذب جامعه‌شناسی به‌مثابه راهی برای فهم «پازل‌های اجتماعی» شده بحث می‌کند، در حالی که جنیفر پلات از هیجان کار با انواع گوناگون داده‌های تجربی صحبت می‌کند. کنجکاو جامعه‌شناسانه بسیاری از محققان مذکور، از طریق تجربه سفر یا مهاجرت برانگیخته شده است. تصور جامعه‌شناسانه مایکل بوروی با سفر به ایالت متحده، کانادا و زامبیا برانگیخته شد؛ در حالی که تجارب مهاجرت هبیل خانکر از بنگلادش تا کانادا،

سنگاپور و ایالات متحده عربی، چشم‌انداز او را به‌عنوان یک «جامعه‌شناس سیار» که در تحقیق تطبیقی درگیر است، شکل داد. تام دایر تجارب آغازین از «بیگانگی» رشد در یک خانواده ایرلندی در نیوزلند و در طول سفر خود در دوران جوانیش و اینکه چطور این بیگانگی او را راغب به اندیشیدن جامعه‌شناسانه درباره جهان کرده است توضیح می‌دهد. وینتا سینها نیز هنگامی که حس «رنج» را استادان جامعه‌شناسی‌اش به او القاء کرده‌اند شرح می‌دهد و اینکه چطور این [حس] امکانات جدید هیجان‌انگیزی را برای تفسیر جهان ارائه می‌دهد، در واقع از مضمون مشابهی بحث می‌کند.

جای تعجب نیست که بسیاری از محققان مذکور از ابتدا با استادانی الهام بخش، جذب این رشته شدند، الهامی که قصد دارند آن را به دانشجویان خودشان هم انتقال دهند. تینا اویس تأثیر استادان خودش و نحوه بهره‌گیری از جامعه‌شناسی برای فهم چالش‌هایی که در حال حاضر دانشجویان آفریقایی جنوبی [با آنها] مواجه هستند، شرح می‌دهد. سیمون مپدینگ، او هم از آفریقایی جنوبی، تحت تأثیر استادانی که عمیقاً درگیر پیکارهای ضد آپارتاید بودند، با این رشته آشنا شد و به مشغله خود برای پرورش نسل جدید جامعه‌شناسان سیاه‌پوست آفریقایی جنوبی، هدایت شد.

موضوعی که مکرراً در مصاحبه‌ها ظاهر شد، پیگیری جامعه‌شناسی به‌معنی تغییر اجتماعی در کنار تمام بحث‌هایی است که به قدرت بالقوه آن در توجه کردن به مسایل اضطراری

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برمی‌گردد. جیمی ژیمنز یادآور زمانی می‌شود که به‌عنوان یک دانشجوی ۱۹۵۸ بر روی اولین کامپیوتر در مکزیک، که به نظر می‌رسید مسایل ملت را به‌طور تضمینی حل کند، کار می‌کرد؛ و اینکه [این کار] چگونه او را پیگیر پژوهش کمی همساز با مسایل اجتماعی اقتصادی کرد. دیلک سیندوگلو توصیف می‌کند که چطور آشوب سیاسی در اواخر دهه هفتاد در ترکیه، او را به سمت جامعه‌شناسی کشاند. «می‌خواستیم بدانم در ترکیه چه می‌گذرد. و هنوز هم در پی فهم آن هستیم.»

بسیاری از مصاحبه‌ها شامل روایت‌های شگفت و فصل مشترکی از بیوگرافی و تاریخی می‌شوند که محققان مذکور را در مسیر جامعه‌شناسی قرار داده است. آیشوار مودی از دوره بعد از استقلال هند و اینکه چطور توجه دانشمندان علوم اجتماعی به بازسازی و توسعه جلب شده، صحبت می‌کند. چین چون‌یی تحت تأثیر دگردیسی اجتماعی چشمگیر دهه هفتاد تایوان، به سمت جامعه‌شناسی جذب شده بود؛ در حالی که سفر به جامعه‌شناسی اما پوریو با آرزوی فهم تغییرات اجتماعی سریعی که بر فیلیپین در طول حکومت نظامی رفته بود، برانگیخته شد. النا دراوومیسلووا از میزان تأثیری که پدر و همکارانش در راه‌اندازی جامعه‌شناسی شوروی داشتند صحبت می‌کند؛ و از اینکه چطور بعد از دل‌سرد شدن از این رشته در اواخر دهه هفتاد، جامعه‌شناسی بار دیگر با گشایش‌هایی که پرستروکا انجام داد، شروع به شکوفایی کرد.

مصاحبه‌ها، همچنین، دیدی را که

جامعه‌شناسان در جهان، با آن، با چالش‌ها روبرو می‌شوند، به‌دست می‌دهد. برخی از این چالش‌ها، دشواری‌هایی هستند که جنسیت، نژاد یا ملیت به‌وجود می‌آورند، در حالی که برخی دیگر بیشتر، به‌گونه‌ای جهانی، مشترک هستند. بسیاری از محققان در جنوب جهان، بر تلاش برای بسط دادن تئوری‌های جامعه‌شناختی، ورای مرزهای اروپامحور سنتی و نیاز به توجه به نابرابری‌های مداوم در جهان توسط دانش جامعه‌شناختی (در چارچوب زبان، مجله‌ها، نشریه‌ها، الویت‌های تحقیقی و...) تأکید می‌کنند. بسیاری از این محققان با چالش‌های به‌عهده‌گرفتن تحقیقاتی که ریشهٔ محلی و ارتباط جهانی دارند، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ساری حنفی به این تنش، به‌گونه‌ای رسا، در رابطه با نشر توجه می‌کند و آن را به‌مثابه گزینه‌ای بین «انتشار جهانی و نابودی محلی» و «انتشار محلی و نابودی جهانی» توصیف می‌کند.

همچنین، تعدادی چالش‌های دیگر، شامل آنهایی که مرتبط با الزامات سختگیرانه مرزها هستند، به‌گونه‌ای بیشتر جهانی‌شده، از خلال مصاحبه‌ها آشکار می‌شوند. راکوئل سوسا تلاش‌های خود را برای توسعهٔ پژوهش

میان‌رشته‌ای و همکاری در آمریکای لاتین و اهمیت «جستجو برای گونه‌های مختلف توصیف واقعیت اجتماعی» شرح می‌دهد. رابرت

## «بسیاری از مصاحبه‌ها شامل روایت‌های شگفت و فصل مشترکی از بیوگرافی و تاریخ می‌شوند»

وَن کریکن استدلال می‌کند که جامعه‌شناسی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ترغیب تفکر میان‌رشته‌ای داشته باشد. همچنین، توضیح می‌دهد که چطور همیشه، به‌خاطر راه‌هایی که او را قادر به تعامل با انواع دیگر دانش کرده، تمایل به میدان تحقیق داشته است. همچنین، بسیاری از مصاحبه‌ها، روی چالش برقراری

تعادل بین نقش‌های مختلف جامعه‌شناس (تدریس، تحقیق، مدیریت، عمل‌گرایی و غیره) و مذاکره بر سر بخش‌های مختلف تحقیق جامعه‌شناختی (حرفه‌ای، انتقادی، دولتی و عمومی) تأکید می‌کنند. مارگارت آبراهام، دربارهٔ این عمل تعدیل‌کننده، از خلال فصل مشترک پژوهش خود، تدریس و عمل‌گرایی دربارهٔ خشونت داخلی در اجتماعات آسیای شرقی در آمریکا تأمل می‌کند.

این مصاحبه‌ها، گیرایی متنوع جامعه‌شناسی برای نسل‌های متفاوت در مکان‌های متفاوت جهان را نشان می‌دهند. آنها نشان می‌دهند که رهبران ISA تا چه اندازه، گیرا و خرسندکننده هستند. اگر به من شک دارید، به انتهای هر مصاحبه که مراجعه کنید. پاسخگوها به ما گفته‌اند که اگر جامعه‌شناس نمی‌شدند دوست داشتند که چه حرفه‌ای داشته باشند: وکیل، پزشک، خبرنگار، معمار، حتی رقاص عربی، بالرین، صاحب بار، نجار یا مجری برنامهٔ آشپزی به نام «آن را به‌هم بزن». به هر حال، خوش‌شانسیم که چنین گروه انسانی و متنوعی، در خدمت انجمن ما هستند. ■

# < جنبش‌های عربی: چشم‌انداز جامعه‌شناسانه و مقایسه‌ی جغرافیایی

آمینا عربی و جولیان جورجنیر، فردریک - البرت - استیف تانگ، لبنان



هنر انقلابی در خیابان محمد محمد،  
کاریو. عکس از مونا ابازا.

اشغالی وال استریت، امکان ایجاد یک چشم‌انداز تطبیقی با ارتقاء چارچوب نظری برای پژوهش درباره جنبش‌های اجتماعی را فراهم کرد. بسیاری از مشابهت‌های خیره‌کننده بین شورش‌های عربی و جنبش اشغالی آشکار شد؛ از جمله این مشابهت‌ها، سرشت بی‌رهبری گفت‌وگویی‌شان است. درباره جنبش‌های عربی، محمد بَیمه، از دانشگاه پیتزبورگ، به سنت‌های دیرین آنارشیستی قومی بازمی‌گردد. از نظر او، جنبش‌های مردمی در سرتاسر جهان عرب، می‌تواند بیان خاطره‌ای تاریخی باشد

همچنین اروپا و آفریقا گرد هم جمع کرد تا درباره سلسله گسترده موضوعات مرتبط با شورش‌ها و انقلاب‌ها گفت‌وگو کنند. کنفرانس مشخصاً با هدف برجسته کردن چشم‌اندازهای جامعه‌شناسانه که اغلب نادیده گرفته شده بودند و با هدف توسعه سناریوهایی برای خط سیر آینده جنبش‌ها در خلال مقایسه‌های تاریخی، بین کشوری و بین قاره‌ای برگزار شده بود.

مارکوس اسکالز از دانشگاه ایلینیوس در اوربانا شامپاین، در سخنرانی خود درباره جنبش

فرجام جنبش‌های مردمی دنیای عرب همچنان مبهم باقی مانده است. با این وجود، در حال حاضر روشن است که چشم‌انداز سیاسی منطقه از زمان پایان رسمی استعمارگرایی، تا حدی، پیش‌بینی‌ناپذیر شده است و ایده ظاهراً ریشه‌کن‌نشده‌ی بنیادگرایی «استثنائگرایی عربی»، سرانجام، بی‌اعتبار شده است. در ۲۰ و ۲۱ مارس سال ۲۰۱۲، کنفرانسی که در دانشگاه آمریکایی بیروت برگزار شد، دانشگاهیان را نه تنها از دنیای عرب، بلکه از هند، آمریکای لاتین، آمریکای شمالی و



که شدیداً به خودکامگی مشکوک است و برای انتساب افرادی که نه تنها نماینده مردمند، بلکه قانون گذاران واقعی هستند، تلاش می کنند.

نقش اشتیاق ناپ برای دموکراسی در جنبش ها، مکرراً موضوع مجادله بود. گرچه مشارکت کنندگان بر سر اهمیت نارضایتی های اقتصادی توافق داشتند، اما تفسیر ماتریالیستی را برای توجیه دگردیسی این چنین عمیقی که جوامع عربی دست خوش آن هستند، تقلیل گرایانه و نامناسب شمردند. مورد بحرین، که عبدالهادی خلف، از دانشگاه لاند، آن را بررسی کرد، نمونه شورش سیاسی ناپ است که سردمدارانش علیه سیاست «نان و سیرک» پادشاه اعترض کردند و مطالبه تبدیل شدن به «شهروندها، نه چیزها» را مطرح کردند. ساری حنفی، از دانشگاه آمریکایی بیروت، درباره شکل جدید عاملیت سیاسی برخاسته از جنبش های عربی بحث می کند که در تضاد آشکار با به اصطلاح فردگرایی نئولیبرال نیست و رهایی مطلق از ماهیت جمعی را می پروراند، اما از کنش گران خود می خواهد تا فعالانه پیوندهای اجتماعی خود را بازاندیشی کرده؛ در صورت نیاز، نه صرفاً پیوندهای اجتماعی شان، بلکه ماهیت جمعی شان را تغییر دهند. برای حنفی، این «فردگرایی بازاندیشانه» قدرت فراتر رفتن از شکاف های فرقه ای و قومی و بنابراین، هموار کردن راه برای نوعی «میهن پرستی نوین» را دارد. آنطور که در بحث های بعدی آمد، اگر آنچه که از آن سخن رفت محقق شود، گرچه به صورت متعادل باشد، حتی با در نظر گرفتن تونس و مصر (پایگاه های ادعاشده بازاندیشی)، رأی دهی بعد از انقلاب همچنان به طور گسترده با پایبندی های فرقه ای و قومی تعیین می شد.

راکوتل سوسا الیزاگا از دانشگاه ملی خودمختار مکزیک و ادگاردو لاندرا از دانشگاه مرکزی ونزوئلا در کارکاس، با برداشت از تجربه آمریکای لاتین، بیشترین تأکیدشان بر نیاز به انقلاب اجتماعی به جای صرفاً تغییر یک رژیم بود. غلبه بر ساختارهای استثمار و ستم، مانند بیشتر کشورهای آمریکای لاتین، تنها از طریق پافشاری بر «گذارهای چانه زنی» برای رسیدن به لیبرال دموکراسی، ممکن

می شود. تینا اویس از دانشگاه ژوهانسبورگ، درباره «انقلاب های چانه زنی شده» در آفریقای جنوبی که سنت گرایی ذاتی را نشان می دهند، انتقادی مشابه ارائه می کند.

همانطور که در آمریکای لاتین مشاهده شد، نیروهای مسلح باید به عنوان بازیگران اصلی تغییر رژیم در نظر گرفته شوند. یزید سایق (مرکز خاورمیانه کارنگی، بیروت) به نفوذ ارتش در تقریباً تمامی حوزه های اجتماعی در نتیجه نقش حیاتی آن در ساختن قدرت اقتدارگرا در دنیای عرب اشاره می کند. بنابراین، بازسازی مناسبات ارتش داخلی یکی از اضطرابی ترین و خطرپذیرترین چالش ها برای حکومت های بعد از انقلاب است؛ از دید سایق، اختلال حتمی علایق اجتماعی باثبات ممکن است تبدیل به مانعی برای محدود کردن قدرت ارتش در جامعه شود. مونا آبازا با دقیق شدن در نقش فضای عمومی در درگیری های جاری بین انقلابی ها و ارتش، از دانشگاه آمریکایی در کایرو، در اثر خود با نام «بازاندیشی های بعد از انقلاب» نشان می دهد که ارتش مصری هنوز از زیر کنترل دموکراتیک بودن فاصله داشته و قصد دارد قدرت را برای خودش تصاحب کند.

این گونه مناسبات ارتش داخلی در ترکیه، اغلب به عنوان مدل مناسب برای جهان عرب در نظر گرفته می شود. [اما] دیلک سیندوگلو از دانشگاه بیلکنت آنکارا، آن را زیر سؤال برد، چرا که او به کاستی هایی در دموکراسی ترکی اشاره می کند و مشخصاً درباره «دموکراتیک سازی کورجنسی» هشدار می دهد. فاطیما کوبایسی از دانشگاه قطر، و جین ماری فریتز از دانشگاه سینسیناتی ایالات متحده، بیشتر بر نقش زنان در پروسه تغییر دقیق شدند. فریتز به احتمالات بنیادینی اشاره می کند که به برهه های تغییر سیاسی به ارث می رسد که «پنجره ای از فرصت ها» را به روی تحولات اجتماعی و توانمندی زنان باز می کند.

جاستین گنگلر از دانشگاه قطر، با در نظر گرفتن این سؤال که برای پروراندن دموکراسی چه کسی مناسب تر است، [گفته] عقل سلیم را که تعهد مدنی را به درک بیشتر ارزش های دموکراتیک تعبیر می کند، مردود می شمارد.

گنگلر با توجه به داده های به دست آمده از پیمایش ارزش های جهانی، یک فرضیه بحث برانگیز مطرح می کند: اینکه حداقل در قطر، برای مثال، جامعه مدنی، مجرای مناسبی برای دموکراسی سازی نیست بلکه بیشتر برای دستیابی به ساختاری مشورتی است. گوران تربورن از دانشگاه کمبریج، بحث جنسیت را گسترش داد و ادعا کرد که حتی در ملت های دموکراتیک، جامعه مدنی قبل از هر چیز، سپهری است که در آن، علایق ویژه، بیشتر از ارزش های دموکراتیک ناب نمایان می شوند.

مایکل بورووی از دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، در سخنرانی اخیر خود، حنفی برنامه ریز را به خاطر «نبوغ برجسته» اش در هموار کردن مسیری به سوی چشم انداز سیستماتیک تطبیقی درباره جنبش های عربی، تحسین کرد. این کنفرانس، حتی اگر نتواند سنتی از تجارب دموکراسی کشورها و مناطق مختلف را فراهم کند قدم، مهمی به سوی روش تطبیقی واقعی است. تنها تعدادی از شرکت کنندگان در درجه نخست به این مسئله پرداختند که با توجه به تجربه دیگر کشورها، چه نتایجی برای جنبش های عربی ترسیم شدنی است؛ همانطور که اغلب سخنرانی ها و بحث ها، اغلب به ملت ها و مناطق ویژه پرداختند و بیشتر بر جزئیات و مطالعات موردی در مقایسه با دانش سیستماتیک و تجربی درباره انقلاب ها و دموکراتیک سازی تأکید کردند. بنابراین، چارچوب فراگیرتر تحلیل تطبیقی تغییرات رژیم که در دام ادعاهای ساده معمولی نیفتاده، همچنان در حال توسعه است. نکته ای که باید به یاد داشت این است که شرح خودجوش انقلاب های عربی، با مدل های (شبه) مشخص، مجسم نمی شوند بلکه ترجیحاً همانطور که گوران تربورن بیان می کند، به «پیش بینی ناپذیری عاملیت بشری» نسبت داده می شوند. در نتیجه، همانطور که ناهلا گاهل، روزنامه السفیر، در سخنرانی متعهدانه خود به ما متذکر می شود، کسانی که درباره تغییر سیاسی بحث می کنند بهتر است از فرصت حقیقتاً تاریخی که دارند، استفاده کنند و تئوری های بازاندیشانه خود را بر روی عمل انقلابی پیاده کنند. ■



# < یک یا چندین جامعه‌شناسی؟

## گفتگوی لهستانی

میکولای میرزوسکی، کارولینا میکولایوسکا و جاکوب روزنباوم، لایبراتور جامعه‌شناسی مردم‌مدار، دانشگاه ورشو، لهستان<sup>۱</sup>



| سمینار «گفتگوی جهانی» در ورشو، درباره آینده جامعه‌شناسی

موزیسین‌هاست. او تحقیقاتی را در فرانسه، لهستان، و ایالات متحده با همکاری EHESS در پاریس و دانشگاه هاروارد انجام داده‌است. بحث‌های مطرح شده در سمینار، دامنه گسترده‌ای از موضوعات را پوشش می‌داد، از تعارضات در حوزه جامعه‌شناسی گرفته تا اصلاح علم و آموزش عالی در لهستان که در سال ۲۰۱۱ مطرح شد. با این حال، ما سعی کردیم بیشتر به این پرسش بپردازیم که آیا یک جامعه‌شناسی جهان شمول امکان پذیر (یا مطلوب) است یا اینکه آیا باید «جامعه‌شناسی‌های بومی» که به مسائل محلی می‌پردازند را حمایت کنیم- به عبارت

استادانی را از دانشکده‌های مختلف دانشگاه و هم از سایر دانشگاه‌ها جذب کرد. در این سمینار هر کسی در بیان افکار خود آزاد بود، اما برای شروع، سه میهمان دعوت شدند تا سخنرانی‌های مقدماتی را ایراد کنند. پروفیسور آنا گیزا- پولشکوک، متخصصی بنام در جامعه‌شناسی خانواده و روابط اجتماعی است که در بخش سازمانهای مردم نهاد لهستان نیز فعالیت می‌کند. پروفیسور آنتونی سولک، رئیس سابق انجمن جامعه‌شناسی لهستان (PTS) است. او متخصص روش تحقیق، نظریه‌های افکار عمومی، و تاریخ جامعه‌شناسی لهستان است. دکتر ایزابلا وگنر نیز حوزه اصلی مطالعاتش، مشاغل حرفه ای دانشمندان و

اولین شماره گفتگوی جهانی که در لهستان منتشر شد، گفتگوی جهانی سال دوم، شماره دوم، بود که بحثی قابل توجه در مورد جایگاه جامعه‌شناسی در دنیایی نابرابر داشت. شورای سردبیری محلی که با یکدیگر در یک لایبراتور جامعه‌شناسی مردم‌مدار دانشجویی کار می‌کردند، تصمیم به دادن زمینه‌ای محلی به این بحث جهانی گرفتند. ما سمیناری را برگزار کردیم که به مسائل مطرح شده از سوی پیتز زتومپکا و مخالفانش، آنطور که از چشم انداز لهستانی دیده می‌شود، اختصاص داشت. این نشست در ۱۹ ژانویه (۲۰۱۲) برگزار شد و دانشجویان، کاندیداهای دکتری، و

دیگر، ما سعی کردیم به پرسش مطرح شده در عنوان سمینار پاسخ دهیم: یک یا چندین جامعه‌شناسی؟

دکتر ایزابلا وگنر نطق خود را با نمایش ابعاد چندگانه دسته‌بندی‌ها و نابرابری‌های موجود میان جامعه‌شناسان آغاز کرد. تعارضات تنها بین جامعه‌شناسان شمالی و جنوبی، شرقی و غربی، یا نخبه و غیرنخبه وجود ندارد، بلکه این تضادها میان نظریه‌پردازان و «قوم نگارانی» که از میدان شروع می‌کنند و سپس به نظریه می‌رسند نیز مشهود است. به نظر دکتر وگنر، پیترو زومیکا و مایکل بورووی - که افکارشان تا حد زیادی انعکاس دهنده حرفه دانشگاهی و پیشینه اجتماعی‌شان است - نمونه‌های خوبی از این دو نوع دیدگاه هستند. او وضعیت جامعه‌شناسی را با زیست‌شناسی مولکولی مقایسه کرد که معمولاً در آن غلبه با دانشمندانی است که در شرایط ساختگی آزمایشگاهی با روش *in vitro* کار می‌کنند، که عمدتاً باعث تولید مصنوعات شده است. بنابراین، روش *in vitro*، بازتولید شده بود. با اینکه این روش، بسیار پر هزینه است و ۹۵ درصد آزمایشها به شکست ختم می‌شوند، اما دانش و نظریه‌ای تولید می‌کند که مستدل به واقعیت تجربی است. در حالی که روش *in vitro* به رویکرد تئوریک در جامعه‌شناسی شباهت دارد، اما این روش به قوم نگاری نیز نزدیک است، زیرا فرضیات چارچوب‌مند کمتری از پیش وجود دارند و نظریات از میدان استخراج می‌شوند. دکتر وگنر ابراز امیدواری کرد که جامعه‌شناسی نیز همگام با زیست‌شناسی تکانی به خود بدهد.

پروفسور آنتونی سولک با رویکردی دیگر به پرسش ما پاسخ داد، وی جامعه‌شناسی را «علمی که از جامعه صحبت می‌کند» و نه «علم جامعه» دانست. بنابراین، وی ادعا کرد که ما می‌توانیم نه تنها درباره تنوع جوامع، بلکه درباره گوناگونی زبان‌هایی که در آثار جامعه‌شناختی‌مان به کار می‌بریم نیز بحث کنیم. (تنوع جوامع) احتمالاً مسأله نظری لاینحلی است (جوامع تا چه حد با یکدیگر فرق می‌کنند). در مقابل، اگر ما زبان جامعه‌شناسانه‌ای که به کار می‌بریم را در نظر بگیریم، خواهیم دید که تضاد عام-خاص، دوراهی کاذبی است. پروفسور سولک گفت که دو «جریان جامعه‌شناختی» موازی وجود دارد. یکی از این دو جریان، کاملاً پژوهشی است که در آن، جامعه‌شناسان [دنیا] با یکدیگر گفتگو می‌کنند. در این مورد، انتشار به زبان انگلیسی نه تنها قابل قبول، بلکه مطلوب است - در این مورد، «جامعه‌شناسان با جهان

صحبت می‌کنند، و شما با زبانهای جهانی با دنیا صحبت می‌کنید.» هدف، بیان کردن تجربیات محلی به زبان نظریه جامعه‌شناختی، بدون اشارات موقعیتی [محلی] است. با این حال، جریانی دیگر نیز وجود دارد. جریانی که در آن، جامعه‌شناسان [تنها] با جامعه خود صحبت می‌کنند. نقش کلیدی و مهم جامعه‌شناسی در این جریان قرار دارد. طبق نظر پروفسور سولک، بهترین راه فهم و درک این نقش، «نگارش جامعه‌شناختی» است - متونی که نه برای دیگر پژوهشگران، بل برای عامه خوانندگان قابل فهم باشند. با این وجود، این نقش را نباید با نقش «جامعه‌شناسان رسانه‌ای» که در تلویزیون ظاهر می‌شوند اشتباه گرفت که بیشتر به هنرمندان شباهت دارند تا پژوهشگران.

پروفسور آنا گیزا - پولشکوک نیز بینش‌های متفاوتی از جامعه‌شناسی ارائه کرد. او سه پرسش مهم مطرح کرد که ما هنگام جستجوی جامعه‌شناسی جهانی باید این پرسش‌ها را در ذهن داشته باشیم. نخست اینکه، آیا تمام افراد فرصتهای یکسانی برای ارائه بینش خود درباره دانش جهانی دارند؟ آیا به سازوکارهایی اندیشیده ایم که ما را در برابر «غاصبان» که این نوع علم را به انحصار درمی‌آورند، حمایت کنند؟ دوم اینکه، چه کسی دستورکار جامعه‌شناسی را تنظیم می‌کند؟ چه کسی معین می‌کند که کدام مسائل در «مجموعه انبوه دانش» اهمیت دارند؟ و سوم، آیا ما همواره در حال صحبت درباره موضوعات یکسانی هستیم؟ تفاوت‌های موجود بین جوامع مختلف، صرفاً در سطح «تجلی‌های» منطق جهانی عمل نمی‌کند. تئوری‌ها همچنین در تعیین اینکه ما دنیا را چگونه می‌بینیم، نیز نقش بازی می‌کنند. در واقع، برخی نظریه‌ها نامناسب و نابجا هستند، مانند نظریه اقتصاد نوکلاسیک در کشورهایی که بازار آزاد ندارند.

پروفسور آنا گیزا - پولشکوک نیز به بحث اصلاح اخیر آموزش عالی در لهستان اشاره کرد که در چارچوب جامعه‌شناسی مردم‌مدار انجام شد.<sup>۲</sup> در مباحثه‌ای که در ادامه خواهد آمد، دکتر ماسیچ جولا، استاد لابراتوار جامعه‌شناسی مردم‌مدار، استدلال کرد که اصلاحات، شرایط حیات دانشگاهی لهستان را عمیقاً تغییر می‌دهد. این اصلاحات سعی دارند پژوهشگران لهستانی را به پژوهشگران آمریکایی شبیه کنند و این کار را به جای آموزش دانشجویان یا انجام فعالیتهای فرادانشگاهی در رابطه با مسائل جامعه خود فرد، با اهمیت ویژه دادن به مقالات منتشر شده در فهرست مجلات تاییدشده برحسب شاخص بین المللی علم

(ISI) انجام می‌دهند. جامعه‌شناسی مردم‌مدار اما به دنبال به رسمیت شناخته شدن در نظام بین‌المللی انتشارات نیست، بلکه هدفش، ایجاد پیوندهایی بین کنشگران اجتماعی گوناگون در محیط‌های محلی است.

وابستگی دانشگاهی و تفکری انتقادی در مورد جامعه‌شناسی، چارچوب تحلیلی باروری برای مطالعه وضعیت نهادهای دانشگاهی لهستان فراهم می‌کند. با این وجود، این سمینار نمی‌تواند با پاسخی شفاف و صریح به پرسش مطرح شده در عنوان سمینار خاتمه یابد. همانطور که جفری الکساندر در شماره اخیر گفتگوی جهانی (سال دوم، شماره سوم) گفته است، دلیل این امر، جدال میان عام‌گرایی و خاص‌گرایی است که نمی‌توان آن را یکبار برای همیشه فیصله داد، اما باید به صورت دوره‌ای در محیط‌های مختلف، مورد بازاندیشی قرار داده شود. ما فقط می‌توانیم برخی بنیان‌های مشترک را بیابیم، یعنی آنچه پروفسور سولک در سخنان اختتامیه سمینار بیان کرد. او گفت بیشتر از هر چیزی، به فعلیت در آوردن یک جامعه‌شناسی خوب اهمیت دارد. ما در تنظیم معیارهای برتری پژوهشی خود مختاریم. آنچه اهمیت دارد، انطباق با این معیارهاست.

این نتیجه‌گیری بسیار بسیار مهم است: جامعه‌شناسی نباید به نوعی از آنچه «علم خوب» معرفی می‌شود، تبدیل شود. اما حتی اگر مسیر جامعه‌شناسی مردم‌مدار را برگزینیم و حتی اگر «جامعه‌شناسی محلی» را توسعه دهیم که به مسائل محلی می‌پردازد، باز باید معیارهایی را بسط دهیم و به کار ببریم تا بتوانیم کارهایمان را به‌عنوان علم ارزیابی کنیم. ■

#### یادداشت‌ها:

۱. Koło Naukowe Socjologii. Publicznej (لابراتوار جامعه‌شناسی مردم‌مدار) سازمانی دانشجویی-پژوهشی است که در موسسه جامعه‌شناسی، دانشگاه Warsaw تاسیس شده است. برای برقراری ارتباط لطفاً به این آدرس بنویسید: [public.sociology.kn@uw.edu.pl](mailto:public.sociology.kn@uw.edu.pl) or visit <http://www.facebook.com/socjologiapubliczna>

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره اصلاحات در لهستان مقالات ایزابلا وگنر و آنا سزولوکا را در وبلاگ ISA ببینید:

<http://www.isa-sociology.org/universities-in-crisis>

# < ما فقط یک مشت بچه‌ایم!

ریحانه جوادی، دانشگاه تهران، ایران

مرکزی به استثنای دو نفر، دانشجویان کارشناسی هستند. و البته همه‌مان دختر هستیم!

تمرکز اولیهٔ انجمن ما بر چند محور بود: تشکیل گروه‌های مطالعاتی برای مطالعهٔ آثار جامعه‌شناسان کلاسیک و مدرن؛ ترتیب دادن کارگاه‌هایی مثل کارگاه جامعه‌شناسی دین در ایران؛ برگزاری نمایشگاه عکاسی اجتماعی، و دعوت از سخنرانانی مانند مایکل بوروی (با عنوان جامعه‌شناسی مردم‌مدار) و جنیفر پلات (با عنوان تاریخ جامعه‌شناسی)، و در آخر، انجمن ما مجله‌ای دانشجویی و جامعه‌شناختی با عنوان سره (به معنی «تاب») منتشر می‌کند که هر شمارهٔ آن شامل دو بخش می‌شود. بخش اول رویکردی نقادانه به وضعیت آموزش جامعه‌شناسی در دانشکدهٔ ما دارد و بخش دوم به ترجمه‌ی مقاله یا بخشی از کتاب یک جامعه‌شناس اختصاص دارد.

ترجمهٔ «گفتگوی جهانی» یکی از کارهای انجمن ماست. بر خلاف دیگر تیم‌ها در انتخاب مترجمانمان، شیوه‌ای جمعی را در پیش گرفته‌ایم. در واقع، این فعالیت بهانهٔ بسیار خوبی برای برانگیختن اشتیاق ما بود. به همین دلیل برای ترجمهٔ هر شماره، فراخوانی در سطح دانشکده می‌زنیم و از همه‌ی دانشجویان علاقمند می‌خواهیم یک نمونهٔ یک صفحه‌ای را ترجمه کنند. برای هر شماره چهار مترجم را که بهترین ترجمه‌ها را داشته‌اند، انتخاب می‌کنیم. در اینجا معرفی مختصری از اعضای تیم ترجمه آمده است:

**جلال کریمیان:** دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفهٔ دانشگاه شهید بهشتی. دارای مدرک کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران. وی اخیراً به مطالعهٔ فلسفهٔ اگزیستانسیالیستی و پدیدارشناسی دین می‌پردازد و به جامعه‌شناسی مردم‌مدار نیز علاقمند است.



**ساغر بزرگی:** دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. علاقهٔ پژوهشی او جامعه‌شناسی تاریخی با تاکید بر ایران مدرن است.



در طول ترجمهٔ معرفی تیم ژاپن (گلوبال دیالوگ سال دوم شماره سوم)، وقتی مدارج علمی و حوزه‌های پژوهشی اعضای این تیم را می‌خواندم - در شرایطی که تیم پائولیستا را نیز به یاد داشتم - تمام چیزی که به آن فکر میکردم این بود که «خدای من، ما بین این همهٔ دکتر و پروفسور چه می‌کنیم؟ ما فقط یک مشت بچه‌ایم!»

بله، این دقیقاً همان چیزی است که ما هستیم. یک گروه از جامعه‌شناس (بسیار) جوان که فکر می‌کنیم سزاوار شرایط تحصیلی بهتری هستیم. به همین دلیل در انجمن علمی دانشجویی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران دور هم جمع شده‌ایم. ما در این انجمن به دنبال آن هستیم که کاستی‌های آموزش رسمی جامعه‌شناسی را بپاییم، به چالش بکشیم و سعی کنیم وضعیت بهتری را بوجود آوریم. اعضای شورای مرکزی انجمن با رای دانشجویان جامعه‌شناسی دانشگاه‌مان انتخاب می‌شوند و دوره‌ی فعالیت شورای مرکزی یک سال تحصیلی است.

سال گذشته، انجمن ما بعد از چند سال رکود، دوباره فعالیتش را از سر گرفت. اعضای شورای مرکزی انجمن در سال گذشته عبارت بودند از: ساغر بزرگی، نجمه طاهری، الهه نوری، میترا دانشور، فائزه خواجه زاده، سمیه رستم پور و ریحانه جوادی. شورای مرکزی کنونی از یک ماه پیش فعالیتش را آغاز کرده است. چهره‌های جدید که جایگزین دوستانی شدند که سال گذشته تحصیلشان به پایان رسیده بود، نسترن محمودزاده، تارا عسگری لاله و زهرا بابایی هستند. همهٔ اعضای شورای

**ریحانه جوادی:** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. او مدرک کارشناسی‌اش را در رشتهٔ جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران دریافت کرده است. حوزهٔ مطالعاتی‌اش جامعه‌شناسی تاریخی با تمرکز بر اصلاحات در ایران قرن نوزده و اوایل قرن بیستم است.



**شهراد شهوند:** فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه تهران و دارای مدرک کارشناسی مهندسی شیمی از دانشگاه خلیج فارس. او در حال حاضر بر دین، فرهنگ و سیاست در جنوب آسیا و به خصوص پاکستان متمرکز است.







تارا عسگری لاله: دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.



نجمه طاهری: دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.



زینب نثار: دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی جامعه‌شناسی از همین دانشگاه. او در حال حاضر به پژوهش در حوزه مطالعات جنسیت مشغول است.



فاطمه مقدسی: دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی. او مدرک کارشناسی‌اش را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران دریافت کرده و علائق پژوهشی اصلی‌اش شامل دو حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و جامعه‌شناسی مردم‌مدار با تمرکز بر تاریخچه جامعه‌شناسی مردم‌مدار در ایران و بسط این جامعه‌شناسی از طریق نظام آموزشی است.



میترا دانشور: دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. او به تحلیل و بررسی انحراف جوانان با تمرکز بر مجازات اعدام در ایران می‌پردازد.



فائزه اسماعیلی: دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی تهران. او در حال حاضر به تحلیل سیاست‌های اجتماعی در دوران پهلوی می‌پردازد.

■ مشارکت در تجربه ارزشمند «گفت‌وگوی جهانی» قطعاً مایه‌ی شادمانی و افتخار ماست.

# < جایگاه جهانی جامعه‌شناسی فرانسوی‌زبان

آندره پتیت، دانشگاه لوزان، سوئیس، و رئیس انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسان فرانسوی‌زبان



جرج گروویچ (۱۸۹۴ تا ۱۹۶۵)، روشنفکر و جامعه‌شناس فرانسوی روسی‌الاصل که در زمان خود معروف و عضو برجسته AISLF بود.

نوزدهمین گردهمایی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسان فرانسوی‌زبان (AISLF) با محوریت «تردید» (Penser l'incertain) در ۲۷ تا ۳۰ جولای ۲۰۱۲ در ربات برگزار خواهد شد. AISLF که عضو ISA است، در سال ۱۹۵۸ در زمینه هژمونی نظامی، اقتصادی، فناوری و علمی بنیان‌گذاری شد. از دهه ۱۹۵۰، دانشجویان کارشناسی، فرصت‌ها

را برای بازدید از دانشگاه‌های ایالات متحده غنیمت می‌شمردند. همانند روندهای هم‌نوازی کارکردگرایانه و تجربه‌گرایی آماری که بر جامعه‌شناسی ایالات متحده تسلط داشتند، و در تعارض با رویکردهایی اروپایی که به تضاد و تغییرات اجتماعی حساس بودند، این امر مطابق طبع هیچکس نبود. جرج گروویچ، یکی از افراد بلندپایه AISLF، نقد سوروکین به آزمون شیدایی و جنون کمیت ایالات متحده را به شیوه خود ارتقا داد. با اینکه جنون مک کارتایت در سال ۱۹۵۴ خاتمه یافت،



لیکن آثارش در جامعه‌شناسی ایالات متحده همچنان وجود دارد.

فاصله نظری و ایدئولوژیک از جامعه‌شناسی ایالات متحده، سوای یک جانبگی زبانی آن، عاملی تأثیرگذار و مهم در تصمیم به راه‌اندازی فضای بین‌المللی جامعه‌شناسی فرانسوی زبان بود. براین اساس، AISLF قانون صریح سیاست‌های علمی و زبانی است؛ هدف، حمایت از تنوع تولیدات جامعه‌شناختی و تنوع زبانی با در کنار یکدیگر قرار دادن این دو است.

در طول زمان، AISLF از گردهمایی‌های دوستانه دانشگاهی تا به هم‌پیوستگی بیش از ۱۸۰۰ عضو از بیش از ۵۰ کشور برخاسته است. این انجمن، منطقه‌ای یا ملی نیست، بلکه انجمن مناطق فرهنگی زبانی است که به‌طور واقعی و تقریبی از کشورها، مناطق ملی، برنامه‌های آموزشی و مراکز پژوهشی تشکیل شده که کلاً یا جزئاً فرانسوی زبان هستند. برخی در کشورهایی مستقرند که فرانسوی زبان نیستند، برخی دیگر، جامعه‌شناسانی عاشق زبان فرانسوی هستند که در محیط‌های غیر فرانسوی زبان، جدا افتاده‌اند. این انجمن «منطقه‌ای زبانی»، بیش از ۵۰ گروه موضوعی فعال دارد. همچنین، مجله روی خط جامعه‌شناسی را منتشر می‌کند و توجهی خاص به آموزش پژوهشگران جوان با استفاده از ری داک (شبکه بین‌المللی مدارس دکترا) دارد که هر ساله، مدارس تابستانه را سازماندهی می‌کند. فعالیت‌های این انجمن هر شش ماه یک بار در مجله AISLF جمع‌آوری

می‌شوند. برای جزئیات بیشتر به این آدرس مراجعه کنید: [aislf.org](http://aislf.org).

AISLF از سایتی بین‌المللی برای بحث میان «مکاتب» متعدد جامعه‌شناسی فرانسوی زبان، بدون اتخاذ هیچ موضع مستقیمی سود می‌برد. بنابراین، هدف اصلی‌اش را، که از آن روز همچنان وجود دارد، درباره دفاع از کثرت‌گرایی در جامعه‌شناسی و ترغیب بحث در کمیته‌های پژوهشی انجام داده است. انجمن‌های منطقه‌ای زبانی، امکانات و فرصت‌هایی برای پرورش بین‌المللی و رشد خودجوش مفاهیم و پارادایم‌های جدیدی ایجاد می‌کند که در محیط‌های ملی، غالباً با محدودیت‌های فراوانی برای فراهم کردن فضای مناسب رشد مواجه هستند. تنوع جامعه‌شناختی، برای موفق شدن، نیازمند این مناطق تقریب زبانی است. یکی از وظایف ISA، حمایت از گفتگو بین مناطقی است که کم و بیش نفوذپذیر هستند، یعنی آنچه بورووی تلاش می‌کند با توجه به مسائل مهم جهانی، انجام دهد.

پرواضح است که مناطق زبانی، نابرابر و سلسله‌مراتبی هستند. امروز، منطقه انگلیسی در اوج است. این سلطه که ناشی از شرایط و فرایندهایی چندگانه است، نباید چشم ما را به این واقعیت ببندد که مناطق زبانی، از جمله حوزه فرانسوی زبان، نابرابری‌ها و سلسله‌مراتب درونی خود را نیز دارند. اندیشیدن و نوشتن در جامعه‌شناسی فرانسوی برای سنگالی‌ها و مراکشی‌ها، یکسان با فرانسوی‌ها و کبکی‌ها نیست. در واقع، با سلسله‌مراتب هژمونی‌های زبانی مرتبط با نابرابری روبرو هستیم.

محیطی که AISLF در آن تأسیس شد، تغییر کرده است. جامعه‌شناسی ایالات متحده اکنون متنوع‌تر است. موفق‌ترین کارشناسان آن، یعنی طرفداران کنشگر عقلانی و کنش متقابل، دو بعد مهم جامعه‌شناسی فرانسوی زبان هستند. موفقیت آنان، احتمالاً، مرتبط با تقسیم حوزه‌های جامعه‌شناسی است.

دنیای دوقطبی که می‌شناختیم (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰) ناپدید شده و جای خود را به جهانی چند قطبی داده است. ما ساکن جهانی هستیم که رسماً برای کثرت‌گرایی فرهنگی‌اش سازماندهی شده و مشخصه آن، وابستگی متقابل بخش‌های ناشناخته پیشین است؛ جهانی که با بسیج فزاینده مردم، سرمایه‌ها، اطلاعات و محصولات مستحکم شده است. در زمانی زندگی می‌کنیم که نیروی فناوری و علم، از آنچه به مخیله بنیان‌گذاران رشته ما خطور می‌کرد فراتر رفته است. طرح لیبرالی اقتصاد آزاد، وابسته به رویای دکارتی فنی علمی، «اربابان و سروران طبیعت»، چنین ناپیچینی‌هایی را در اقتصاد و محیط جهانی به وجود آورده که مطالبات جدیدی برای مقررات جهانی پس از هر بحران ایجاد کرده تا از غرق شدن در تناقضات و خرابکاری‌های خود ما جلوگیری شود. در سازماندهی نوزدهمین گردهمایی در ربات، با موضوعیت «تردید»، معتقدیم که جامعه‌شناسان، نقشی خاص در یافتن راه خروج از مسیر باریکی دارند که هم‌اکنون در آن گرفتار شده‌ایم. ■

# < مطالب آرشیوی بیشتر

## در مورد AISLF

جنیفر پلات ، دانشگاه ساسکس، بریتانیا، و نایب رئیس انتشارات ISA، ۲۰۱۴-۲۰۱۰

این نوشته، مقاله‌ آندره پتیتات را با داده‌ها و اطلاعات زمینه‌ای در مورد رابطه‌ طولانی AISLF با ISA غنی می‌کند - رابطه‌ای که زمانی، نشان‌دهنده‌ برخی اختلاف‌نظرهای درونی بود. ISA در سال ۱۹۴۹ توسط یونسکو تاسیس شد که سازمان مرکزی آن همیشه در پاریس بوده است، زیرا زبان فرانسوی در آنجا دارای اهمیت‌ی فوق‌العاده و همچنین، پایگاهی رسمی بود؛ به لحاظ تاریخی هم، زبان فرانسه، زبان دیپلماسی بین‌المللی بود، گرچه این پایگاه ویژه پس از استیلای جهانی ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در حال انتقال بود. دو زبان رسمی ISA، فرانسوی و انگلیسی بود - این امر یعنی حذف زبانهای ممالک دیگری که در جامعه‌شناسی اولیه بسیار اهمیت داشتند، اما طی جنگ در جبهه فاشیست بودند. همانطور که ISA از یونسکو مستقل‌تر می‌شد، اهمیت زبان فرانسوی در آموزش نیز کاهش می‌یافت. در واکنش به این موضوع، اسناد بایگانی نشان می‌دهند که در سال ۱۹۵۴، جورج گوروچ، جامعه‌شناس فرانسوی، پیشنهاد کرد که بخش فرانسوی زبان ISA راه‌اندازی شود؛ این طرح به عنوان تضعیف‌کننده اخلاق انترناسیونالیسم دیده می‌شد و مورد قبول واقع نشد. بنابراین، در سال ۱۹۵۸، AISLF مستقل، به ابتکار گوروچ و یک جامعه‌شناس

در محیطهای فرانسوی‌زبان (که معمولاً در ملل دوزبانی قرار دارند)، سه گردهمایی جهانی (۱۹۵۳، لیژ؛ ۱۹۶۶، ایوین؛ ۱۹۹۸، مونترال) برگزار شده و تا پیش از استقرار یافتن دبیرخانه در مادرید، دبیرخانه در سه دوره (۶۲-۱۹۵۹، لووین؛ ۷-۱۹۶۲، ژنو؛ ۸۴-۱۹۷۴، مونترال) در همین محیط‌ها بوده است. این نیز اهمیت چندانی ندارد که برخی از اعضای برجسته ISA، مانند انور عبدالملک، اصلیت فرانسوی‌زبان نداشته‌اند، اینان یا مدت‌های طولانی در پاریس دارای شغل بوده‌اند یا ارتباطهای فکری قوی و بادوامی در آنجا داشته‌اند. همین‌طور، مهاجرین فرانسوی‌زبان، مانند جکس دافنی که از کبک به بلژیک رفت، پلهای مهمی ایجاد کرده‌اند. بر این اساس، می‌توانیم ببینیم که چگونه روابط زبانی، در عین نشان‌دادن هویت‌های مجزا به ایجاد پیوندهایی نیز کمک کرده است. ■

یادداشت‌ها:

۱. برای دیدن شرح حالی جذاب از نقش او اینجا را ببینید:

Entrevue avec Jacques Dofny, professeur et bâtisseur Sociologie et sociétés ۲۳ (۱۹۹۱): ۶۱-۷۷.

بلژیکی به نام هنری جین راه‌اندازی شد. با این وجود، در ۱۹۶۳ به‌عنوان عضو جمعی به ISA پیوست؛ این موضوع احتمالاً کمک کرد که جیرود، که دبیر مشترک ISA بود، عضو اجرایی AISLF نیز باشد!

اعضای ثابت ISA، فعالیت‌های این نهاد را اینگونه توصیف کرده‌اند که همواره برحسب کمک‌های ملی بوده‌اند، اما اگر زبان به جای موقعیت جغرافیایی مدنظر قرار گیرد، باعث ایجاد تفاوت‌هایی در این توصیف می‌شود. همانطور که پتیتات خاطر نشان می‌کند، فرانسه تنها کمک‌کننده فرانسوی‌زبان به ISA نبوده است؛ بخش فرانسوی‌زبان کانادا، بلژیک و سوئیس نیز [در این زمینه] کاملاً برجسته بوده‌اند. از ۱۹۴۹ الی ۱۹۵۶، ISA دارای یک رئیس آمریکایی بود، در حالی که یکی از نواب رئیسانش، جرج دیوی فرانسوی بود. سپس، جرج فریدمن در دوره ی ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ منصب ریاست را عهده‌دار بود. پس از آن، وقفه‌ای طولانی تا رئیس فرانسوی بعدی به وجود آمد، این فرد، میشل ویویورکا بود که از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ رئیس بوده، لیکن در این سالها همواره حداقل یک عضو فرانسوی‌زبان در بخش اجرایی و در هفت دوره از یازده دوره، یک نایب‌رئیس فرانسوی‌زبان وجود داشته است.

# < چالش‌های پیش روی جامعه‌شناسی هند

ایشوار مودی، رئیس جامعه‌شناسی هند، و عضو کمیته اجرایی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴

ایشوار مودی، چراغ مقدس و فرخنده‌ای را در سالگرد کنفرانس ISS در جیپور، روشن می‌کند.  
عالیجناب حاکم راجستان، Hon'ble S. K. Singh (نفر وسط) نگاه می‌کند.



چون برزیل، روسیه، چین و آفریقای جنوبی درس‌های فراوانی بیاموزیم. کشورهای اروپای شرقی نیز می‌توانند درس‌های زیادی از تجربیات خود دربارهٔ عصر پاسوسپالیست به ما ارائه کنند. همچنین، باید سنن روشنفکران بومی جوامع خاور دور، خاور میانه و آفریقا را برای پرورش جامعه‌شناسی‌ها بدیل، بررسی کنیم. گفتنی است، وظیفهٔ ما فقط گرفتن جوانب مثبت جامعه‌شناسی غربی نیست، بلکه باید درس‌هایی نیز از کشورهای در حال توسعه بیاموزیم. باید بین جریان اصلی جامعه‌شناسی هندی و جوامع و فرهنگ‌های محلی هند پل‌هایی بسازیم. برای نیل به این هدف، ISS مجبور خواهد بود روابط نزدیکی با انجمن‌های منطقه‌ای/ محلی برقرار کند تا در تنوع فرهنگی و اجتماعی غنی هندوستان درگیر شود. من به شخصه بسیار خوش‌بینم که ISS گام‌های بلندی در تمام این جهات بردارد. ■

## منابع:

Modi, I (۲۰۱۰). "Indian Sociology Faces the World." Pp ۳۲۵-۳۱۶. in Michael Burawoy, Chang Mau-kuei, and Michelle Fei-yu Hsieh (eds.) Facing an Unequal World: Challenges for a Global Sociology (Volume II). Institute of Sociology, Academia Sinica, Taiwan, and Council of National Associations of the International Sociological Association

جامعه‌شناسی مرتبط [با واقعیت و مسائل] را توسعه دهیم. در دوران ریاست من، ابتکارات نوینی برای گسترش افق‌های جامعه‌شناسی هندوستان بررسی شدند. در این زمان، جامعه‌شناسی هندی نمی‌تواند از صحنهٔ جهانی جدا بماند. سخنگوی ISS، مجلهٔ آن، خبرنامهٔ جامعه‌شناسی است. ما باید شماره‌های آن را بیشتر و پوشش آن را گسترده‌تر کنیم، آن را چندزبانی و به معنای حقیقی به یک نشریهٔ بین‌المللی تبدیل کنیم. ما باید مسائل اصلی را منتشر کنیم. ممکن است از پژوهشگرانی برتر، برای نوشتن مقالات مدد جوئیم. یک مجلهٔ الکترونیکی نیز در دستور کار ما قرار دارد.

فارغ از تجدیدنظر در خبرنامهٔ جامعه‌شناسی، باید بحث‌های جدیدی دربارهٔ موضوعات مربوط به توسعه، مبانی اجتماعی سیاست، ابعاد نوین هویت و مطالبات فرهنگی، گسترش سریع طبقات متوسط، نابرابری اجتماعی، تغییر مرزهای موجود بین تقسیمات شهری-روستایی، و... آغاز شوند. جامعه‌شناسی مردمی باید شعار ما در قرن ۲۱ باشد.

برای درک اهداف جدید، باید از کشورهایی

جامعه‌شناسی هند در مقولات آموزش و پژوهش به قله‌های رفیعی دست یافته است. جامعهٔ جامعه‌شناسی هند (ISS) از زمان تأسیسش، یعنی شش دهه پیش، نقشی مهم در نیل به این موفقیت ایفا کرده است. من بسیار خوشحالم که از ژانویهٔ ۲۰۱۱، به مدت دو سال، رئیس این جامعه‌خواهم بود. ISS تقریباً ۳۵۰۰ عضو دارد که شامل افراد هندی و خارجی می‌شود. امروز، جامعه‌شناسی در هندوستان در موقعیتی حساس قرار دارد. در سال‌های اخیر، چالش‌های متعددی در حرفهٔ دانشگاهی جامعه‌شناسی که یک قرن قدمت دارد، سر بر آورده‌اند. گذشتهٔ مستعمراتی جامعهٔ هند، هنوز با مسائل آموزشی و روش‌شناختی دست‌وپنجه نرم می‌کند، و سلطهٔ دانشگاهی امریکا بر تلاش‌های دانشگاهی ما، از جمله بر مفاهیم، قالب‌های مرجع و سازه‌های نظری حکمفرمایی می‌کند. جامعه‌شناسی هندی هنوز نتوانسته است نظریهٔ اجتماعی و توسعهٔ مفهومی مختص به خود را به وجود آورد (مودی، ۲۰۱۰).

اگر می‌خواهیم مسائل پیچیده را با همدلی و دغدغه درک کنیم، باید بومی‌سازی عقلانی را مبتنی بر واقعیت به‌وجود آوریم. باید یک



# < جامعه‌شناسی مردم‌مدار در دانشگاه آنکارا

گوونار ارتونگ و یونکا اوداباس، دانشگاه آنکارا، ترکیه



ازدحام کارگران در شهرک چادرها که در اعتراض به سیاست شرکت‌های کاری TEKEI ساخته شده است.

یک پروژه تحقیق میدانی که اخیراً آن را تکمیل کردیم بر روی اعتصاب TEKEI در دسامبر ۲۰۰۹، تأکید می‌کند. TEKEI سرمایه‌گذاری دولت پیشین بر بخش تنباکو و نوشیدنی‌های الکلی است. اعتصاب مذکور ۷۸ روز در آنکارا، پایتخت ترکیه، به طول انجامید. علت اعتصاب، تغییر در مقام و شأن کارکنان TEKEI بود. افزایش خصوصی‌سازی در دهه ۱۹۹۰ و همچنین افزایش مخارج کار در بخش عمومی، موجب گسترش استخدام کارکنان قراردادی در بنگاه‌های فرعی می‌شود که نتیجه آن، درصدی از کارگران با امنیت شغلی پایین است.

مقاومت کارگران در مقابل چنین استراتژی‌های «منعطف‌کننده‌ای» در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹ در آنکارا با راهبردهای ظالمانه نیروهای امنیتی برانگیخته شد. به دلیل هوای سرد و انتظار طولانی برای پاسخ‌گویی دولت، کارگران TEKEI شهری از چادرها در خیابان‌هایی که اعتراض می‌کردند برپا کردند. این چادرها مرکز توجه عموم شدند. برخلاف هژمونی دولت، کارکنان چادرنشین TEKEI حمایت‌های محلی بسیاری از سوی دانشمندان، هنرمندان و دانشجویان دریافت کردند. گروه ما نیز حاضر بود و در عین حال با تحقیق میدانی که توسط عملی کردن مدل بسیج مردمی رابرت بلومر بر روی اعتصاب TEKEI صورت گرفت از کارکنان حمایت می‌کرد. نتیجه این کار به صورت نوشتاری درآمد که در گردهمایی انجمن جامعه‌شناسی اروپایی در گوانوا، در سپتامبر ۲۰۱۱ ارائه شد.

Yurt ve dünya، زادگاه و جهان، یک مجله آنلاین است که از سال ۲۰۱۰ بر روی سایت [www.yurtvedunya.net](http://www.yurtvedunya.net) منتشر شده است؛ گرچه قدمت بیشتری دارد. زادگاه و جهان، اولین بار، با ریاست بهیس بوران، یک جامعه‌شناس مردم‌مدار که در دانشکده علوم انسانی کار می‌کرد در سال ۱۹۴۱ منتشر شد. ما از جنبش جامعه‌شناسی مردم‌مدار مایکل بورووی الهام گرفتیم و تصمیم گرفتیم زادگاه و جهان را متکی بر انرژی برخی دانشجویان و استادان گروه جامعه‌شناسی در سال ۲۰۱۰ احیا کنیم. هدف از انتشار مجله، به اشتراک گذاشتن تحقیقات دانشگاهی با جامعه خارج از دانشگاه بود. اولین گروه هدف مجله، دانشجویان دانشکده‌های مختلف جامعه‌شناسی در ترکیه هستند.

ما در نظر داریم تا یافته‌های خود را در زمینه جامعه‌شناسی مردم‌مدار تا سطح بین‌المللی گسترش دهیم. ما همگی از اعضای ISA و ESA هستیم. از آنجا که همگی، عمیقاً به اهمیت همکاری بین جامعه‌شناسان در سطوح ملی همچون سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی باور داریم، در انجمن ملی خود نیز فعال هستیم.

ما بسیار مشتاق توسعه فرهنگ تحقیق مشارکتی و تولید جامعه‌شناسی مردم‌مدار هستیم. در صورت علاقه به حیطه کاری ما و تمایل به ارتباط با گروه‌مان می‌توانید از طریق ایمیل‌های زیر با ما در تماس باشید.

Aytül Kasapoğlu / [kasap@humanity.ankara.edu.tr](mailto:kasap@humanity.ankara.edu.tr)  
Yonca Odabaş / [yoncaodabas@yahoo.com](mailto:yoncaodabas@yahoo.com)  
Günnur Ertong / [gertong07@gmail.com](mailto:gertong07@gmail.com)

ما یک گروه جامعه‌شناسی هستیم که همراه با پروفیسور آیتول کاساپگلو در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آنکارا فعالیت می‌کنیم. گروه ما شامل دانشجویان ارشد، دانشجویان جوان دکترا و دانشگاهیان مجرب و تمام عیار است.

گروه ما، گروه پویایی است؛ افراد به ما می‌پیوندند تا به مطالعه و تحقیق بپردازند، در کارهای نشریات ما دخیل می‌شوند و زندگی دانشگاهی خود را از خلال تجربه‌هایی از این دست ادامه می‌دهند. آنها اغلب، دانشجویانی هستند که زیر نظر پروفیسور کاساپگلو، پایان‌نامه دکترا یا ارشد خود را می‌نویسند. حتی وقتی از دیارتمان جامعه‌شناسی دور هستیم و شغل‌های متفاوتی را به عهده می‌گیریم، از خلال شبکه تحقیق خود، همچنان با هم در ارتباط هستیم. در ادامه به‌طور خلاصه، کتاب‌هایی را که به عنوان بخشی از تحقیق خود منتشر کرده‌ایم و سلسله سمینارهای پروفیسور کاساپگلو که در آنها تحقیق میدانی‌مان را توسعه بخشیدیم و همین‌طور مجله‌ای که در آن به کرات گزارش یافته‌های خود را ارائه داده‌ایم، معرفی می‌کنم.

تمرکز کتاب‌هایی که منتشر کرده‌ایم بر روی محتوای دوره‌های آموزشی آتیل کاساپوگلو است. کتاب‌ها همچنین بر طبق کار دانشجویان و دانشگاهیان، نظریه و کنش تلفیقی بنا شده‌اند. اولین این کتاب‌ها، شخصیت در ساختار اجتماعی در حال تغییر نام دارد که درباره نابودی شخصیت، به واسطه وضع اضطراری ساختار اجتماعی است. دومین کتاب، آسیب‌های اجتماعی جدید، به بررسی روایت‌های آسیب اجتماعی می‌پردازد. سومین کتاب، زندگی اجتماعی و تضاد: چشم اندازهای متفاوت، زندگی اجتماعی و تضاد را بررسی می‌کند، این در حالی است که تمرکز آخرین کتاب با نام دوروی سکه: سلامتی و بیماری، بر روی دو حوزه جامعه‌شناسی سلامت و بیماری است. سلسله سمینارهایی که پروفیسور کاساپگلو برگزار می‌کند، دانشجویان را به سمت آثار مرتبط هدایت می‌کند و ایده‌های جدیدی را که تا آن زمان با همکارانش درباره‌شان بحث کرده است ترسیم می‌کند. دانشجویان پیشین، حتی بعد از اینکه فارغ‌التحصیل می‌شوند، مشارکت در دوره‌های آموزشی را ادامه می‌دهند و الهام‌بخش اعضای جدید می‌شوند.

# < دموکراتیک‌سازی آینده‌ها: در جست‌وجوی برابری و مشارکت

مارکوس اس اسکالز، دانشگاه ایلینوس، اوربانا شامپاین، ایالات متحده، و عضو کمیته برنامه انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی برای کنفرانس جهانی یوکوهاما، ۲۰۱۴



مادران میدان مایو، بوینس آیرس. عکس از مارکوس اسکالز

با واقعیت‌های گفت‌وگویی و اغلب پرستیز، تناسب بیشتری دارند. دموکراسی‌سازی آینده‌ها، به گفت‌وگویی دربارهٔ بینشهای جایگزین اشاره می‌کند.

آینده‌ای که از آن سخن رفت، در طول سال‌های ۱۹۹۰ هنگامی که به اصطلاح وفای واشنگتن، نسخهٔ دسته‌بندی‌های نئولیبرال را برای سازگاری ساختاری با مدل‌های بازار انعطاف ناپذیر در کشورهای دنیا تجویز کرد، بسیار نزدیک به نظر می‌رسید. چالش‌های ناشی از جنگل‌های دوردست چیاپاس تا شهرهایی مثل سیاتل، پراگو، جنوا یا داوس نیز

وظیفهٔ دموکراتیک‌سازی روند دقیق پیش‌بینی و ساخت آیندهٔ نزدیک برمی‌گردد. بنابراین، دموکراتیک‌سازی آینده‌ها، خواست اجتماعی برای عدالت و مشارکت است. «آینده‌ها»، عمده، در شکل غیرمعمول جمع، استفاده شده است. همانطور که محققان پسااستعماری مانند آرتورو اسکوبار، آنیبال کوجانو، والتر میگنولو یا یونچاره دسوزا سانتوس خواسته‌اند، ما به یک هستی‌شناسی متکثر از دانش‌های متنوع نیازمندیم. مدل‌های یک‌خطی، برخلاف خست‌گیرای‌شان، تاریخ را به خوبی آنچه ما می‌دانیم توصیف نمی‌کند. مفاهیم متقاطع،

کمیتهٔ پژوهش ISA دربارهٔ پژوهش‌های آینده (RC۰۷)، برنامهٔ خودش را با شعار «دموکراتیک‌سازی آینده‌ها»، دربارهٔ انجمن آتی در بوینس آیرس برگزار خواهد کرد. منظور از شعار مذکور، برقراری ارتباط بین موضوع کلی انجمن، با عنوان «عدالت اجتماعی و دموکراتیک‌سازی»، با تمرکز ویژهٔ کمیتهٔ پژوهش است. این شعار (در مدل انگلیسی خود) دو معنا دارد: اگر به صورت صفت در نظر گرفته شود، نمایان‌گر امید به تحقق دموکراسی بیشتر در آیندهٔ نزدیک است؛ اگر به صورت فعل در نظر گرفته شود، به





رسیده بود که نخبگان جهان برای ملاقات‌های پشت درهای بسته سران، دعوت شده بودند. به نظر می‌رسد سیاست‌های ارباب، تحت عنوان جهانی «جنگ علیه تروریسم»، مناطق نئو لیبرال را توسعه بیشتری می‌دهد، تا زمانی که گمانه‌زنی فزاینده در بازار اقتصادی شدیدتر شود و حتی خط اصلی رسانه، شروع به مذاکره درباره «فروپاشی سرمایه‌داری» کند. سرتیترهایی از این دست، گرچه مانند کمک چندتریلیون دلاری بانک‌ها که ناگهانی و یک‌شبه صورت گرفت، زود هنگام بودند؛ اما نشان دادند که مشروعیت اقتصاد رژیم تا چه اندازه متزلزل است. قدرت آمریکا در نتیجه اشغال عراق و رویارویی ظهور چین و دیگر کشورهای نوحاسته، افول کرده است. اهالی آمریکای جنوبی از آرژانتین تا ونزوئلا و از برزیل تا اکوادور، به قدرت جدیدی برای رد کردن «شروط» IMF یا بانک جهانی و پی‌گیری شیوه‌های جدید دست یافتند. جنبش‌ها در کشورهای عربی خودکامگانی را که مدت‌ها بر مسند قدرت بودند بیرون کرده و فضای تازه‌ای برای دموکراتیک‌سازی منطقه فراهم کرده و نمونه‌هایی را نشان دادند که حتی در آمریکا هم منعکس شد.

اعتراض کوچک در وال استریت به همراه پیوند با همتایانش در اروپا و جا‌های دیگر، به یک جنبش ملی تبدیل شد. گرچه جنبش اشغالی توسط رسانه‌های جمعی به خاطر نداشتن لیست مشخصی از خواسته‌ها به تمسخر گرفته شد؛ اما این فقدان ایدئولوژی مشخص، جذابیت ویژه‌ای به آن بخشید. از همه مهم‌تر، اشغال میدان آزادی در نیویورک

مانند اشغال بسیاری دیگر از میدان‌ها در کشور، به معنای ایجاد فضایی برای برقراری گفت‌وگو بود. این جنبش، پارک سوت‌وکور و «نیمه‌دولتی» و در عین حال تحت مالکیت جمعی زوکوتی را با انواع هنرها، موسیقی، انواع غذاهای اشتراکی و کتابخانه و بحث‌های سیاسی درخشان راجع به نحوه ساخت آینده‌هایی بهتر نه تنها برای ۱ درصد از داراترین افراد، بلکه برای ۹۹ درصد دیگر، تبدیل به یک سپهر عمومی پررونق کرد. همانطور که نشانه‌های سایبان خودساخته مقوایی نشان می‌دهد، بسیاری از مطالبات و طرح‌ها که بر سر آنها بحث شده، کاملاً ویژه بوده و در طیف یک اقتصاد سالم‌تر تا یک محیط پاکیزه‌تر و اصلاحات سیستم مالیاتی و کمپین قانون مالی قرار می‌گرفتند. سازمان هم‌تراز جنبش، خودش هدف مطالبه مجدد دموکراسی را در بر دارد. جنبش اشغالی رشد نابرابری اجتماعی و افزایش تأثیر اشتراکی بر سیاست‌ها را به چالش کشید. سرکوب‌گری پلیس موفق به فرو نشاندن فضا‌های اشغال شده در صدها شهر آمریکا شد؛ اما نسل جدید فعالان، تجربه سازنده‌ای در عمل جمعی دارند و آماده ادامه دادن تلاش برای آینده‌هایی دموکرات‌تر هستند.

جامعه‌شناسی می‌تواند از این جنبش‌ها، انعطاف‌پذیری آینده‌ها را بیاموزد. سؤالاتی که در جلسات گوناگون RC۷ درباره انجمن بوینس آیرس در حال بررسی شدن هستند شامل اینهاست: چگونه می‌توانیم آینده‌هایی دموکراتیک‌تر بسازیم؟ چطور تصورات و آرمان‌ها درباره آینده، بر عادات روزمره

و زندگی‌های جمعی طولانی مدت تأثیر می‌گذارند؟ چه چیز افق تصورات اجتماعی را صورت می‌دهد؟ چگونه به بازاندیشی درباره دموکراسی در برهه جهانی شدن پیشرفته، نیاز پیدا می‌کنیم؟ چگونه می‌شود مسائل میرمی مانند تغییر آب‌وهوای جهان، تخریب محیط زیست، گرسنگی یا خشونت، با شیوه‌هایی پایدار، مهار شوند؟ چه کار باید کرد تا حکومت، زیرساخت‌ها، تولید، رسانه و تکنولوژی دموکراتیزه شوند؟ چگونه می‌شود توزیع ابزار و ریسک‌ها و فرصت‌ها به گونه‌ای برابرتر صورت گیرد؟ چگونه نیروهای متفاوت، در شکل‌دهی به آینده‌ها نقش ایفا می‌کنند؟ از مقایسه مبارزات اجتماعی در کشورها و زمینه‌های مختلف، چه چیزی دستگیرمان می‌شود؟ چطور جنبش‌های رهایی‌بخش و کنش‌های هر روزه در مقاومت‌ها مردمی، نظم می‌یابند، استعمار می‌شوند و به رسمیت شناخته نمی‌شوند؟ چه دیدگاه‌هایی برای آینده‌های جایگزین، تصورشدنی، مطلوب و دسترس‌پذیر است؟ چه نقشه‌های راهنمایی برای تحولات اجتماعی وجود دارند؟ چگونه تحقیقات اجتماعی آینده‌محور، می‌توانند به بحث‌های عمومی گسترده‌تر مرتبط شوند؟

با تشکر فراوان از آلبرتو بیاکووسکی، آلیشیا پالرمو، مارگارت آبراهام، مایکل بورووی و راثول سوسا برای زحماتشان و شورمندی خردمندانه‌شان در ممکن ساختن انجمن در آرژانتین. بیاپید منتظر بحث‌های هیجان‌انگیز و برخورد‌های الهام‌بخش در بوینس آیرس باشیم. ■